

اخبار

گواهینامه موتورسواری بانوان مرداد صادر می‌شود

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده‌ها تأکید بر اینکه هیچ محدودیت شرعی، حقوقی و قانونی برای صدور گواهینامه موتورسواری بانوان وجود ندارد، گفت: «براساس آخرین پیگیری‌ها، امیدواریم گواهینامه موتورسواری بانوان در مرداد صادر شود.» «زهرابهرزآذر» روز سه‌شنبه در گفت‌وگو با خبرنگاران افزود: «بانوان باید گواهینامه موتورسواری داشته باشند تا به دلیل نداشتن گواهینامه و محرومیت از پوشش بیمه، دچار آسیب‌های مضاعف نشوند. به همین دلیل، دولت به این موضوع ورود کرد. دراین زمینه، مجلس نیز با ما همراه بود و علما و روحانیون نیز اعلام کردند که این اقدام حرام نیست.»

بهرزآذر ادامه داد: «امروز زنان را داریم که خلبان یا راننده خودروهای سنگین هستند و موتور نیز یک وسیله حمل‌ونقل است که همه از آن استفاده می‌کنند.» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده اظهار کرد: «اقدامات لازم برای صدور گواهینامه موتورسواری بانوان انجام شده است. در آخرین گفت‌وگویی که با مسئولان پلیس راهور فراجا داشتم، حتی نمونه اولیه گواهینامه بانوان نیز چاپ شده است.» وی با بیان اینکه به دلیل وقوع جنگ احتمالی سوم، صدور گواهینامه موتورسواری بانوان با وقفه مواجه شد، گفت: «قرار بود در تیرماه مراسم رونمایی از نخستین گواهینامه موتورسواری بانوان برگزار شود، اما متأسفانه در آن ایام دوباره درگیر جنگ شدیم. وی یادآور شد: «گاهی مطرح می‌شود که برای صدور گواهینامه موتورسواری بانوان نیاز به اصلاح قانون و تصویب مجلس وجود دارد، اما این‌گونه نیست. برای این موضوع مصوبه و مقررات لازم وجود دارد و از این نظر مشکلی نیست.»

بهرزآذر با اشاره به لزوم آموزش رسمی برای دریافت گواهینامه موتورسواری گفت: «بانوان موتورسواری داریم که مدل‌آور هستند، از آنان به‌عنوان نخستین مربیان دعوت می‌کنیم تا آموزش علاقه‌مندان را برعهده بگیرند.»

بهرزآذر با اشاره به انواع خشونت‌ها تأکید کرد: «همه ما تلاش می‌کنیم انواع خشونت کاهش پیدا کند. تاکنون بیشتر درباره خشونت‌های فیزیکی، کلامی و اقتصادی صحبت می‌شد، اما امروز خشونت سایبری نیز به یکی از دغدغه‌های جدی تبدیل شده است.» معاون رئیس‌جمهور با اشاره به یک پرونده خشونت سایبری در لرستان گفت: «افرادی در یک کانال، با دسترسی به عکس‌های شخصی تعدادی از دختران، تصاویر ساختگی منتشر و از آنان اخاذی کرده بودند. این تصاویر به هیچ وجه واقعی نبود.»

وی افزود: «با همکاری نهادهای اطلاعاتی و قضایی، این گروه در کوتاه‌ترین زمان شناسایی و اعضای آن دستگیر شدند. با وجود همه تلاش‌ها برای جلوگیری از وارد شدن آسیب مضاعف به این دختران و کنترل سریع موضوع، متأسفانه مشکلاتی نیز پیش آمد.» وی گفت: «در لایحه پیشگیری و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که به مجلس ارسال شده است، به این موضوع نیز توجه کرده‌ایم و جرائم الکترونیکی را در آن پیش‌بینی کرده‌ایم.» معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده‌ها خاطرنشان کرد: «امروز بیش از هر زمان دیگری به افزایش دانش سایبری زنان، دختران و خانواده‌ها نیاز داریم. موضوع فقط اخاذی یا دسترسی به اطلاعات شخصی نیست و هر روز ابعاد تازه‌ای پدید می‌کند. ابزارهای هوش مصنوعی، باوجود کاربردهای گسترده و نقش مؤثر در بهبود زندگی، می‌توانند پیامدهای منفی نیز داشته باشند.» | ایرنا

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین آگهی فقدان سند مالکیت	 سند مالکیت یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۸۴۸ فرعی از ۷۹ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۶۸۲ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۲ و واقع در بخش ۴- ناحیه ۴- حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین استان قزوین به مساحت ۵۵/۸۶ مترمربع مالکیت حامد / فروغ منش فرزند عباس شماره شناسنامه ۹۶۲ تاریخ تولد ۱۳۵۵ دارای شماره ملی ۴۳۲۲۱۵۷۴۰۸ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش‌دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۷۱۴۲۵ تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۵ موضوع سند مالکیت اصلی شماره چاپی ۹۰۱۵۶۴ سری ب سال ۹۱ که در صفحه ۲۶۶ دفتر املاک جلد ۴۵۸ ذیل شماره ۱۱۲۹۶۳ ثبت گردیده است، بازداشت ندارد و رهن دارد. سپس مالک با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند به علت نامعلوم مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هرکس به‌نجوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آگهی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به مقتضای تسلیم خواهد کرد این آگهی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد. شعبان عسگری مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین از طرف زهرا آقائی شناسه آگهی: ۲۲۳۳۴۸۳
--	--



-۱-

بحران سگ‌های بلاصاحب در سنجح حادثه آفرید

ولگردهای خطرناک

وزارت بهداشت: سالانه ۴۴۰ هزار حیوان‌گزیدگی و ۲۰ مرگ ناشی از هاری ثبت می‌شود

ا پیام ما | افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب در سال‌های اخیر هم‌زمان به چالش‌های محیط‌زیستی، بهداشتی و مدیریت شهری دامن زده است. این در حالی است که هیچ آمار رسمی و دقیقی از تعداد این حیوانات در کشور وجود ندارد. روند رو به رشد حیوان‌گزیدگی، ثبت صدها هزار مورد مراجعه سالانه به مراکز درمانی، مرگ ناشی از هاری و وقوع حوادث تلخی مانند جان باختن یک کودک سه‌ساله در سنجند، زنگ خطر را بار دیگر به صدا درآورده است؛ خطری که ریشه آن را باید در نبود مدیریت یکپارچه، رهاسازی سگ‌های خانگی، تکثیر کنترل‌نشده و ضعف در ساماندهی جمعیت سگ‌های بلاصاحب جست‌وجو کرد.

افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب در بسیاری از مناطق کشور به یک معضل تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که افزایش حیوان‌گزیدگی و بیماری‌های منتقله از آنها، نگرانی عمیقی در حوزه بهداشت عمومی به وجود آورده است.

۳ تعداد سگ‌های بلاصاحب

آمار دقیق و قابل استنادی از جمعیت سگ‌های بلاصاحب در ایران وجود ندارد و تاکنون هیچ سرشماری ملی برای تعیین تعداد این حیوانات انجام نشده است. مسئولان سازمان دامپزشکی نیز بارها تأکید کرده‌اند که نبود بانک اطلاعاتی جامع، برنامه‌ریزی برای مدیریت جمعیت سگ‌های بلاصاحب و کنترل بیماری‌هایی مانند هاری را با دشواری مواجه کرده است.

بااین حال، در سال‌های اخیر اعداد متفاوتی درباره جمعیت این سگ‌ها مطرح شده است. برخی برآوردها تعداد سگ‌های بلاصاحب در کشور را حدود دو میلیون قلاده اعلام کرده‌اند، اما این تعداد بر پایه سرشماری‌های رسمی نیست. در استان تهران نیز آمارهای منتشرشده اختلاف قابل‌توجهی با یکدیگر دارند؛ به‌گونه‌ای که برخی منابع از حدود ۴۰۰ هزار قلاده سگ بلاصاحب در این استان سخن گفته‌اند، در حالی که برآوردهای دیگر اعداد بسیار بیشتری را ذکر می‌کنند.

۳ نگرانی‌های بهداشتی

افزایش جمعیت حیوانات بلاصاحب در حالی است که به گفته مقام‌های وزارت بهداشت، ۷۵ درصد بیماری‌های نوپدید منشأ حیوانی دارند و از حیوان به انسان منتقل می‌شوند. این در حالی است که سالانه بیش از ۴۰۰ هزار مورد حیوان‌گزیدگی در کشور رخ می‌دهد.

«قباد مرادی»، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، روز دوشنبه ۲۹ فروردین‌ماه اظهار کرد: «سال گذشته حدود ۴۴۰ هزار مورد حیوان‌گزیدگی و ۲۰ مورد مرگ ناشی از هاری در کشور ثبت شد که نشان‌دهنده بار سنگین این بیماری بر نظام سلامت است.»

در حالی است که سازمان دامپزشکی بیش از ۹۵ درصد حیوان‌گزیدگی‌ها را ناشی از سگ‌ها اعلام کرده است.

۳ حادثه در سنجند

آمارهای حیوان‌گزیدگی در استان‌های کشور متفاوت است. به‌عنوان مثال، سال گذشته بیش از دو هزار و ۴۰۰ مورد حیوان‌گزیدگی ناشی از سگ‌های بلاصاحب در استان کهگیلویه‌وبویرحمد ثبت شد. این در حالی است که در استان کردستان، در همین بازه زمانی، چهار هزار و ۱۵۷ مورد حیوان‌گزیدگی رخ داده است که نسبت به سال گذشته ۲۵۰ مورد افزایش یافته است.

استان کردستان یکی از استان‌هایی است که بیشترین تعداد حیوان‌گزیدگی ناشی از سگ‌های ولگرد را دارد. به همین دلیل، مقام‌های بهداشتی این استان نسبت به این وضعیت ابراز نگرانی کرده‌اند. به گزارش «پیام ما» و به نقل از ایسنا، «خالد رحمانی»، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، خردادماه امسال نسبت به افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد در سنجند و تهدید سلامت شهروندان هشدار داد و خواستار اقدام جدی شهرداری‌ها برای جمع‌آوری و عقیم‌سازی این حیوانات شد.

او همچنین گفت: «وظیفه جمع‌آوری سگ‌های بلاصاحب در محدوده شهری بر عهده شهرداری‌هاست و انتظار می‌رود اقدامات عملی و مؤثری در زمینه جمع‌آوری و عقیم‌سازی این حیوانات انجام شود.»

یک‌ماه‌پس از این ابراز نگرانی، حادثه‌ه دردناک ناشی از حمله سگ‌های بلاصاحب در این استان ثبت شد. شامگاه دوشنبه ۲۹ تیرماه، حمله سگ‌های ولگرد به کودکی سه‌ساله در سنجند، مرگ این کودک را در پی داشت. چند روز قبل نیز در حادثه‌ای مشابه در همین شهر، دختری ۱۲ ساله به دلیل جراحات ناشی از حمله سگ‌های بلاصاحب راهی بیمارستان شد. رخ دادن این دو حادثه موجب شد دادگستری کردستان برای دوتن از مدیران شهرداری سنجند پرونده تشکیل دهد و با صدور قرار بازداشت، آنها را راهی زندان کند. صدور این قرار بدین معناست که شهرداری در ساماندهی این حیوانات تعلل کرده است.

افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های مهم مدیریت شهری و بهداشت عمومی در ایران تبدیل شده است؛ موضوعی که کارشناسان معتقدند ریشه آن در مجموعه‌ای از عوامل انسانی، مدیریتی و زیست‌محیطی قرار دارد و بدون اجرای یک برنامه جامع، امکان کنترل پایدار آن وجود ندارد.

رهاسازی سگ‌های خانگی یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب است. بسیاری از این حیوانات پس از افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های مهم مدیریت شهری و بهداشت عمومی در ایران تبدیل شده است؛ موضوعی که کارشناسان معتقدند ریشه آن در مجموعه‌ای از عوامل انسانی، مدیریتی و زیست‌محیطی قرار دارد و بدون اجرای یک برنامه جامع، امکان کنترل پایدار آن وجود ندارد.

رهاسازی سگ‌های خانگی یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش جمعیت سگ‌های بلاصاحب است. بسیاری از این حیوانات پس از تغییر شرایط اقتصادی یا ناتوانی صاحبانشان در نگهداری، در حاشیه شهرها و روستاها رها می‌شوند و به جمعیت سگ‌های بدون‌صاحب می‌پیوندند.

عامل مهم دیگر تکثیر کنترل‌نشده این حیوانات است. شرایطی که برنامه‌های عقیم‌سازی به‌صورت فراگیر اجرا نمی‌شود، رهادی بلاصاحب با نرخ بالایی زاد و ولد می‌کنند و جمعیت آنها هرمدت کوتاهی افزایش می‌یابد.

دسترسی آسان سگ‌ها به منابع غذایی، از دیگر دلایل رشد این جمعیت است. وجود زباله‌های شهری، پسماند رستوران‌ها، مراکز دفن زباله و ضایعات کشتارگاه‌ها، غذای مورد نیاز این حیوانات را تأمین می‌کند و احتمال بقا و تولیدمثل آنها را افزایش می‌دهد. نبود یک برنامه منسجم برای مدیریت جمعیت سگ‌های بلاصاحب نیز از دیگر چالش‌های مطرح‌شده است. به باور کارشناسان، اجرای محدود یا نامهارنگ برنامه‌های عقیم‌سازی، واکنش‌ناپسوس، ثبت و شناسایی سگ‌های صاحب‌دار و مدیریت پناهگاه‌ها، مانع از کنترل مؤثر این پدیده شده است.

در کنار این موارد، رهاسازی سگ‌ها در مناطق مختلف به‌جای مدیریت اصولی آنها و همچنین افزایش نگهداری از سگ‌های خانگی بدون نظارت کافی، از دیگر عواملی است که به گسترش این معضل دامن زده است.

مدیریت پایدار جمعیت سگ‌های بلاصاحب تنها با اجرای مجموعه‌ای از اقدامات، از جمله عقیم‌سازی گسترده، مدیریت اصولی پسماند، جلوگیری از رهاسازی حیوانات، ثبت و کنترل سگ‌های صاحب‌دار و فرهنگ‌سازی عمومی امکان‌پذیر است.

اکتا به روش‌هایی مانند جمع‌آوری یا حذف سگ‌ها، به‌تنهایی نمی‌تواند راهکاری مؤثر و پایدار برای کاهش این جمعیت باشد.

اخبار

داروخانه‌ها سهمیه کافی دارو دریافت نمی‌کنند

رئیس شورای عالی داروخانه‌ها اعلام کرد: ممکن است وضعیت تولید دارو بهبود یافته باشد، اما به دلیل سیاست‌های توزیع، همه داروخانه‌ها سهمیه کافی دریافت نمی‌کنند.

رئیس هیئت‌مدیره شرکت دارویی تأمین به‌تازگی اعلام کرده است که بحران دارو فراتر از تحریم‌هاست. وابستگی ۶۵ تا ۷۰ درصدی مواد مؤثره دارویی به واردات از چین و هند، تنها نتیجه تحریم‌ها نیست؛ بلکه ضعف صنایع تولید مواد اولیه، کمبود سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و مشکلات ساختاری نیز در این وابستگی نقش مهمی دارند. «هادی اخوت‌پور»، رئیس شورای عالی داروخانه‌ها، در این خصوص گفت: «در بحث قیمت‌گذاری، طی دوره‌ای تلاش شد با به‌روزرسانی نکردن قیمت‌ها، فشار کمتری بر مردم و سازمان‌های بیمه‌گر وارد شود. این موضوع ربطی به تحریم‌ها ندارد و صرفاً یک تصمیم دولتی است. بحث بعدی مربوط به حاشیه سود (مارژین) است. برخلاف سایر اصناف، حاشیه سود دارو عدد ثابتی نیست، برای مثال، ممکن است حاشیه سود یک داروی ایرانی یا مکمل بیشتر و حاشیه سود داروی خارجی کمتر تعیین شود تا از تولید داخلی حمایت شود.»

وی افزود: «علاوه بر این، سازمان غذا و دارو جدولی تهیه کرده است که بر اساس آن، درصد حاشیه سود برای هر دارو تعیین می‌شود. معیار این جدول، قیمت دارو است. برای مثال، داروهای با قیمت زیر ۲۰۰ هزار تومان، بین ۱۰ تا ۴۰۰ هزار تومان و بالاتر از آن، به‌صورت پلکانی و با درصدهای متفاوت محاسبه می‌شوند. علاوه بر قیمت، نوع تولید دارو نیز مؤثر است؛ یعنی داروهای ایرانی، خارجی یا داروهای تولید قراردادی (تولید تحت لایسنس) ممکن است مشمول درصدهای متفاوتی شوند.»

اخوت‌پور خاطرنشان کرد: «با این حال، این اعداد و درصدهای حاشیه سود نیز به‌روزرسانی نشده‌اند. در نتیجه، هنگامی که قیمت دارو افزایش یافت، هرچند این افزایش نیز با مدح‌مکن کنترل شد. حاشیه سود تولیدکننده، توزیع‌کننده و داروخانه کاهش پیدا کرد. این امر باعث تضعیف بنیه مالی فعالان زنجیره تأمین دارو شده و در نهایت، رونق کلی این سیستم را تحت تأثیر قرار داده است.»

به‌گفته وی، از سوی دیگر یکی از مشکلات زنجیره تأمین دارو، اختلال در چرخه گردش مالی است.

خرید و فروش دارو فرایندی چرخه‌ای است که در آن، جریان نقدینگی و تحقق سود برای به‌روزرسانی قیمت‌ها، تأمین موجودی و جبران خسارت‌ها ضروری است.

رئیس شورای عالی داروخانه‌ها تصریح کرد: «در این میان، سازمان‌های بیمه‌گر به‌عنوان یکی از حلقه‌های کلیدی عمل می‌کنند. هنگامی که وجوه مربوط به دارو از سوی بیمه‌ها به داروخانه‌ها بازنگردد، این تأخیر به حلقه‌های بعدی، یعنی شرکت‌های پخش، تأمین‌کنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان نیز منتقل می‌شود و در نهایت، کل زنجیره تأمین با مشکل مواجه می‌شود. این مسئله، هرچند ممکن است به‌صورت غیرمستقیم با تحریم‌ها مرتبط باشد، تأثیر مستقیمی بر ضعف مالی فعالان این حوزه دارد.» | ایلنا



شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان

شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان در نظر دارد اجرای پروژه بشرح ذیل خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به پیمانکارانی که دارای رتبه و ظرفیت از سازمان برنامه و بودجه کل کشور را دارد واگذار نماید.

ردیف	شرح مناقصه	شماره مناقصه	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	مبلغ برآوردی (ریال)
۱	تجدید مرحله اول اجرای پروژه کلید در دست پروژه های سیم به کابل در محدوده ناحیه سه مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان آزادشهر در قالب مگا پروژه بصورت خط گرم	۱۴۰۵/۳۴-۲	۸,۳۹۱,۰۰۰,۰۰۰	۱۸۴,۶۶۹,۱۴۶,۳۲۷
۲	اجرای پروژه کلید در دست پروژه های سیم به کابل در محدوده ناحیه یک مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان شرق گرگان بصورت خط گرم (مناقصه ۱۰۲)	۱۴۰۵/۴۴-۲	۷,۴۳۲,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۶,۲۷۷,۰۰۰,۹۹۶
۳	اجرای پروژه کلید در دست پروژه های سیم به کابل در محدوده ناحیه دو مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان شرق گرگان بصورت خط گرم (مناقصه ۱۰۳)	۱۴۰۵/۴۸-۲	۷,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۱۰,۶۴۹,۳۴۴,۵۵۴
۴	اجرای پروژه کلید در دست پروژه های سیم به کابل در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان شرق گرگان (شهر سرخستان) بصورت خط گرم (مناقصه ۱۰۴)	۱۴۰۵/۴۹-۲	۷,۴۳۲,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۶,۷۰۰,۸۸۲,۲۲۶
۵	اجرای پروژه کلید در دست سیم به کابل در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان آق قل (روستای یلمه سایان)	۱۴۰۵/۵۰-۲	۶,۸۱۸,۰۰۰,۰۰۰	۹۴,۰۴۹,۵۹۴,۹۹۶
۶	اجرای پروژه کلید در دست سیم به کابل در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان علی آبادکنول (ادامه ناحیه فاضل آباد)	۱۴۰۵/۵۱-۲	۲,۷۸۹,۰۰۰,۰۰۰	۴۳,۴۷۳,۹۶۹,۰۵۵
۷	اجرای پروژه کلید در دست سیم به کابل در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان گنبد (۱۵ درصد پیش پرداخت)	۱۴۰۵/۵۲-۲	۶,۱۷۸,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۲۵۸,۲۶۷,۲۰۷
۸	اجرای پروژه کلید در دست سیم به کابل در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان گنبد (ادامه گنبد به مقدار ۱۲ کیلومتر) (۱۵ درصد پیش پرداخت)	۱۴۰۵/۵۳-۲	۶,۱۷۴,۰۰۰,۰۰۰	۸۱,۱۶۸,۹۶۸,۸۳۲
۹	اجرای پروژه کلید در دست رفع کانون خطر (ره آور نماینده) در محدوده مدیریت توزیع نیروی برق شهرستان علی آبادکنول	۱۴۰۵/۵۴-۲	۶,۸۲۲,۰۰۰,۰۰۰	۹۴,۱۲۰,۳۱۰,۶۸۰

ث- چک تضمین شده بانکی برای تضمین شرکت در مناقصه

۴- ذکر شماره مناقصه روی پاکات الزامی بوده و حضور یک نفر از پیشنهاد دهندگان در جلسه بازگشایی پاکات (الف،ب،ج) با معرفی نامه کتبی معتبر از است

۵- شرکت توزیع گلستان در دای تمام پیشنهادات مختار است.

۶- به پیشنهادهای فاقدامضاء ، مشروط،محدوش و پیشنهداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل میشود،مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۷- تکمیل کردن فرم پرسشنامه اطلاعاتی مربوط به ارزیابی صلاحیت پیمانکاران پیوست اسناد ارزیابی کیفی الزامی است.

۸- هزینه آگهی هر دو نوبت بر عهده دستگاه مناقصه گزار می باشد.

۹- ارسال پیشنهادها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir می باشد و پرداخت هرگونه کارمز سامانه فوق به عهده برنده مناقصه می باشد.

۱۰- ضمناً آگهی از طریق شبکه اطلاع رسانی معاملات تائیر به نشانی www.Tavanir.org.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی <http://tets.mporg.ir> قابل دسترسی می باشد و جهت اطلاعات بیشتر در شماره تلفن ۰۲۱-۳۲۶۹۴۴۱۲ تماس و به شماره تلفن ۰۲۱-۳۲۶۹۴۴۱۲ فاکس نماید.

۱۱- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان

(آگهی مناقصه عمومی)

۲-۲. ارائه اسناد ارزیابی کیفی به همراه اسناد مناقصه (الف ، ب و ج) در یک لافاف کلی به منزله عدم ارائه اسناد ارزیابی کیفی تلقی خواهد شد.

۳- مبلغ ضمانت نامه شرکت در مناقصه به میزان مندرج در جدول فوق، به نفع کارفرما مطابق فرم ارائه شده در اسناد مناقصه که به مدت سه ماه از تاریخ افتتاح پاکات معتبر بوده و قابل تمدید تا به مدت سه ماه دیگر باشد باید به یکی از صورتهای زیر ، همرا ه با اسناد مناقصه در پاکت (الف) به دستگاه مناقصه گزار تسلیم شود ؛

الف- ضمانت نامه بانکی و یا ضمانت نامه های صادرشده از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی که دارای مجوز فعالیت از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند.

ب- اصل سپید واریز وجه نقد به حساب جاری شماره ۲۲۲۱۴۸۸۸۰۶۰۷ بانک نونک ملی شعبه خیابان ولیعصر گرگان به نام شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان.

پ- ضمانتنامه صادره توسط موسسات بیمه گر دارای مجوز لازم برای فعالیت و صدور ضمانتنامه از سوی بیمه مرکزی ایران

ت- گواهی خاص مطالبات قطعی تایید شده از سوی امور مالی شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان بر اساس فرم نمونه ضمیمه اسناد مناقصه

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۴/۳۱- تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۵/۰۳

با وجود افزایش آتش‌سوزی‌ها در زاگرس و تغییر الگوی آن، تاکنون نهادهای متولی تلاشی برای ریشه‌یابی دلایل و عاملان اصلی نکرده‌اند

مجازات کم‌اثر عاملان حریق

از سال ۱۳۹۹ الگوی آتش‌زدن جنگل‌ها و مراتع زاگرس تغییر کرده است. از آن زمان تاکنون بیش از ۱۰۰ نفر در این ارتباط بازداشت شده‌اند، اما اغلب مجازات‌ها با سنگینی جرم همخوانی ندارد



تیر ۱۴۰۵

تیر ۱۴۰۵



افروز فکری ا

روزنامه‌نگار

اوایل تیرماه، فیلمی از چند مرد منتشر شد که درحال آتش‌زدن مناطقی از کوهمره سرخی و باباکوهی استان فارس بودند. چند روز پس از انتشار این فیلم، خبربازداشت پنج نفروسپس چهار نفردیگرمنتشر شد. اما این نخستین بارنبود که افرادی به اتهام آتش‌زدن جنگل‌ها و مراتع بازداشت می‌شدند. از سال ۱۳۹۹ که روندآتش‌زدن جنگل‌ها و مراتع زاگرس به‌صورت مستمرآغاز شد، بازداشت‌هایی نیز انجام گرفت؛ اما نه مجازات‌ها با جرم تناسب داشت و نه ریشه این رخدادها از سوی دستگاه‌های انتظامی و قضایی بررسی شد. یکی از نخستین آمارهای رسمی درباره بازداشت عاملان آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع در خرداد ۱۳۹۹ منتشر شد. آن زمان «سرهنگ علی عباس‌نژاد» فرمانده وقت یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، اعلام کرد: «تاکنون ۴۰ متهم در ارتباط با آتش‌سوزی‌های اخیر جنگل‌های زاگرس دستگیر شده‌اند.» او با اشاره به اینکه بررسی‌ها درباره علت حریق‌ها ادامه دارد، افزود: «برخی از این آتش‌سوزی‌ها مشکوک بوده و متهمان برای رسیدگی در اختیار دستگاه قضایی قرارگرفته‌اند.» آماراعلام‌شده‌ازسوی عباس‌نژاد به‌صورت جمعیعی برای استان‌های زاگرس، از جمله خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، کردستان و بوشهر بود و سهم هر استان به‌طور جداگانه منتشر نشد. در همان سال، «سرهنگ عزیز قلاوند»، فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی خوزستان، از برخورد قضایی با عاملان آتش‌سوزی در این استان خبر داد و گفت: «در رابطه با آتش‌سوزی‌های اخیر جنگل‌ها که دلیل آن خطای انسانی بوده، ۳۰ نفر را شناسایی و به دادگاه معرفی کردیم.» او توضیح داد که بخش قابل‌توجهی از آتش‌سوزی‌های استان در مزارع کشاورزی آغاز شده و سپس به مراتع و جنگل‌ها سرایت کرده است. به گفته قلاوند، بیشتر این حوادث عمدی نبوده و بر اثر بی‌احتیاطی یا خطای انسانی رخ داده‌اند.

درخوزستان، علاوه‌براین آمار، «سرهنگ علی حسینی»، فرمانده انتظامی شهرستان مسجدسلیمان، از بازداشت پنج نفر به اتهام ایجادآتش‌سوزی درمراتع ومحصولات کشاورزی خبر داد. به گفته او، این افراد به دلیل ایجاد حرقی که به منابع طبیعی سرایت کرده بود، دستگیر شدند. با این حال، نتیجه نهایی رسیدگی قضایی به این پرونده به‌صورت عمومی منتشر نشد. در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز مقام‌های مسئول در چند نوبت از برخورد با عاملان آتش‌سوزی خبر دادند. در جریان آتش‌سوزی منطقه حفاظت‌شده خالیز در سال ۱۳۹۹ «اسدالله هاشمی»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان، اعلام کرد و نفر به‌عنوان عاملان آتش‌سوزی شناسایی و از سوی دادستانی

محیط‌زیست

سوی متولیان انجام نشده است؛ در حالی که هر یک از این آتش‌سوزی‌ها الگوی خاص خود را دارد. او به «پیام ما» می‌گوید:

«عمدی یا غیرعمدی بودن آتش‌سوزی قابل تشخیص است. حتی در برخی موارد، فردی که آتش را روشن کرده، در محل حضور دارد و به جمع نیروهای خاموش‌کننده آتش می‌پیوندد. اما متأسفانه تاکنون ریسک آتش‌زدن جنگل‌ها و مراتع برای متخلفان افزایش پیدا نکرده است.» به اعتقاد او، عاملان آتش‌سوزی از ارتکاب این جرم ترس و نگرانی ندارند. باید دیده‌بانان و مردم محلی برای مواجهه با چنین شرایطی آموزش ببینند و در نهایت، دستگاه قضایی نیز درباره این جرم برخوردی قاطعانه درپیش بگیرد. سجادیان، مانند ایزدی، تأکید می‌کند که در بسیاری از موارد، خبری از کشاورز، دامدار یا زنبوردار به‌عنوان عامل حریق نبوده و الگوی آتش‌زدن مراتع در این موارد متفاوت است. بنابراین باید ریشه‌های این الگویی را که در حال آسیب رساندن به زاگرس است، شناسایی کرد. او می‌گوید: «صرف انتشار آزاری از تعدادی فرد بازداشت‌شده، نتیجه‌ای بلندمدت و اثرگذار نخواهد داشت. باید نتیجه رسیدگی به پرونده‌ها و دلایل وقوع این آتش‌سوزی‌ها نیز اعلام شود. همچنین لازم است قضات رسیدگی‌کننده نسبت به ماهیت این جرم و خسارت‌های آن برای کشور آگاهی بیشتری داشته باشند و همه سازمان‌های متولی نیز علیه این جرایم اعلام جرم کنند.»

حسب از سه ماه تا ۱۰ سال

اما آتش‌زدن جنگل‌ها و مراتع در قانون چه مجازاتی دارد؟ بر اساس ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، مصوب سال ۱۳۴۶، که یک قانون خاص محسوب می‌شود، مجازات سنگینی برای مرتکبان جرم حریق پیش‌بینی شده‌است. براساس این ماده قانونی، «هرکس در جنگل عمداً آتش‌سوزی ایجاد کند، به حبس از سه تا ۱۰ سال محکوم می‌شود و اگر مرتکب مأمور جنگلبانی باشد، به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.» (محمد داس‌مه)، حقوق‌دان و مشاور حقوقی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در توضیح این قوانین می‌گوید ماده ۴۵ همین قانون نیز تأکید دارد که: «آتش‌زدن نباتات در مزارع و باغات داخل یا مجاور جنگل، بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی ممنوع است و اگر در نتیجه بی‌مالتی، حریق در جنگل ایجاد شود، مرتکب به حبس تأدیبی از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» از سوی دیگر، مطابق ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی، «هر کس عمداً جنگل، خویس یا هر نوع محصول زراعی را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود.» همچنین، بر اساس تبصره ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی، «چنانچه اعمال فوق به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مرتکب به مجازات محارب محکوم خواهد شد.»

او به ماده ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره می‌کند؛ ماده‌ای که به موضوع جبران خسارت‌های ناشی از آتش‌زدن مراتع و جنگل‌ها پرداخته است. به گفته داس‌مه، «در تمام موارد مذکور در این فصل، هرگاه حریق، تخریب یا سایر اقدامات انجام‌شده منجر به قتل، نقص عضو، جراحت یا صدمه به اشخاص شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مقرر، حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه و در هر حال به جبران خسارت‌های وارده نیز محکوم خواهد شد.»

موضوع دیگری که مطرح می‌شود، این است که آیا جرم‌انگاری‌های پیش‌بینی‌شده در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با جرم‌انگاری و عناصر قانونی مندرج در قانون مجازات اسلامی تعارض دارد؟

داس‌مه در پاسخ می‌گوید: «برخی حقوق‌دانان بر این باورند که قانون عام لاحق، یعنی قانون مجازات اسلامی، نمی‌تواند ناسخ قانون خاص سابق، یعنی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع باشد. بنابراین، قانون حاکم بر این موضوع همچنان قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع است و جرم‌انگاری‌ها نیز باید براساس همان قانون تعیین شود.» داس‌مه همچنین می‌گوید تاکنون ۹ نفر به اتهام ایجاد حریق در اراضی ملی و عرصه‌های جنگلی، با شکایت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، در استان فارس تحت تعقیب قضایی قرار گرفته‌اند و هر ۹ نفر با قرار تأمین بازداشت موقت، در زندان به سر می‌برند. پرونده این افراد اکنون در مرحله دادسرا در حال رسیدگی است. او می‌گوید: «این بزه در دادسرا و دادگاه‌های پیگیری ۲ محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود.» فارغ از جرم‌انگاری‌های پیش‌بینی‌شده در قانون، آنچه اکنون بیش از همه اهمیت دارد، این است که عاملان آتش‌زدن ارتفاعات زاگرس، نگرانی چندانی از بازداشت و مجازات ندارند. در عین حال، مجازات‌های اعمال‌شده نیز به باور بسیاری از فعالان محیط‌زیست، از ایجاد خسارت وارده‌تر تناسب ندارد. در نتیجه، افرادی که می‌دانند حتی در صورت بازداشت نیز با مجازات سنگینی روبرو نخواهند شد و رسیدگی به پرونده‌هایشان در دادگاه‌های تخصصی محیط‌زیست انجام نمی‌شود، همچنان به آتش‌زدن زاگرس ادامه می‌دهند؛ در حالی که هنوز نشانی از عاملان و سازمان‌دهندگان اصلی این آتش‌سوزی‌ها در دست نیست.

ا خبر

میانکاله همچنان می‌سوزد

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران از وقوع ۶ فقره آتش‌سوزی در پناهگاه حیات‌وحش میانکاله طی سه روز گذشته خبر داد و گفت: «عملیات مهار و پایش و لکه‌گیری همچنان ادامه دارد.»

«محمد رضا کنعانی» افزود: «دومورد حریق روز جمعه، سه مورد روز یکشنبه و یک مورد دیگر نیز روز دوشنبه در بخش‌هایی از این ذخیره‌گاه زیست‌کرخ داده‌است.» او ادامه داد: «پس از اعلام آخرین مورد حریق، محیط‌بانان و نیروهای یگان حفاظت محیط‌زیست بلافاصله در محل حاضر شدند. با هماهنگی فرمانداری شهرستان بهشهر، اداره‌کل مدیریت بحران استانداری مازندران و سایر دستگاه‌های اجرایی، عملیات مهار آتش با اعزام ماشین‌آلات، تانکرها ی آب و تجهیزات مورد نیاز آغاز شد.»

مدیرکل حفاظت محیط‌زیست مازندران گفت: «حضور مستمر محیط‌بانان در منطقه طی روزهای اخیر موجب شد، کانون جدید آتش در همان دقایق نخست شناسایی شود. عملیات کنترل و مهار نیز بدون وقفه انجام شد و از گسترش حریق به سایر بخش‌های پناهگاه جلوگیری شد.» کنعانی با اشاره به مشارکت دستگاه‌های مختلف در عملیات اطفا ی حریق گفت؛ افزود: «فرماندهی بهشهر اداره‌کل مدیریت بحران استانداری، شهرداری‌ها، جمعیت هلال‌احمر، دستگاه‌های اجرایی شهرستان و جوامع محلی، در کنار نیروهای محیط‌زیست، نقش مؤثری در مهار

ا خبر

استرالیا و رابطه عشق و نفرت با گربه‌ها

اپیام سال ۱۸۷۲، شهر ملبورن نخستین نمایشگاه گربه خود را برگزار کرد؛ تنها یک سال پس از آنکه نخستین نمایشگاه گربه در کاخ کریستال لندن برپا شده بود. تا سال ۱۸۸۵، به گفته نویسنده‌ای در «سالنامه ویکتوریا»، «با گربه‌ها به‌ندرت رفتار خوبی می‌شده؛ اما همان نویسنده با خوشحالی گزارش داد که استرالیایی‌ها به‌تدریج بیش از گذشته قدر گربه‌ها را می‌دانند.

روزنامه‌های دوران استعمار نیز از پدیده‌ای عجیب با عنوان «آیین گربه» نوشتند؛ پدیده‌ای که در آن گربه‌های معمولی خیابانی، که زمانی موجوداتی لاشخور در کوچه‌پس‌کوچه‌ها یا همراهانی کم‌اهمیت برای زنان و کودکان تلقی می‌شدند، در شهرهایی مانند لندن به کالایی شیک و محبوب تبدیل شدند. پرورش گربه به سرگرمی‌ای محبوب و پردرآمد، به‌ویژه در میان زنان و مردان طبقه متوسط و طبقات بالای جامعه، بدل شد. نژادهای خاص، مانند گربه‌های پرشین، با قیمت‌های بالا خرید و فروش می‌شدند. بارونق اقتصادگربه‌رو، روزنامه‌های بریتانیا پر از «صفحات کسب‌وکار گربه‌ها» شد؛ صفحاتی که علاقه‌مندان در آن اخبار مربوط به توله‌گربه‌ها، خرید و فروش گربه‌ها و رویان‌های کسب‌شده در نمایشگاه‌های معتبر را منتشر می‌کردند.

این شور و علاقه سرانجام به سواحل استرالیا نیز رسید. یکی از نخستین مراکز پرورش گربه در استرالیا، سال ۱۸۷۷ در منطقه کریسمس هیلز ایالت ویکتوریا افتتاح شد. مالک این مرکز تحت تأثیر افزایش تقاضا برای گربه‌های اصیل و گزارش‌هایی قرار گرفته بود که نشان می‌داد پرورش دهندگان می‌توانند سالانه بیش از ۷۰۰ پوند از فروش نژادهای خاص درآمد داشته باشند. به‌نوعی روزنامه‌های استرالیایی نیز صفحاتی ویژه گربه‌ها منتشر کردند و ستون‌های منظم گفت‌وگوی گربه‌ها» در روزنامه‌های شهری شکل گرفت.

ا حیوان خانگی محبوب تا دشمن تنوع زیستی
در سال ۲۰۴۶، بسیاری از رسانه‌های جریان اصلی استرالیا مقاله‌هایی درباره ممنوعیت نگهداری گربه یا نقش مخرب محیط‌زیستی گربه‌های خانگی منتشر می‌کنند. کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز به صراحت بیشتری دیدگاه‌های افراطی خود را بیان می‌کنند؛ از جمله این جمله که: «تنها گربه خوب، گربه مرده است.»

در مقابل، واکنش مخالفان نیز به همان اندازه احساسی است. یکی از کاربران در پاسخ به پستی در فیس‌بوک درباره ممنوعیت گربه‌ها نوشت: «اگر گربه من را می‌خواهید، باید او را از دستان سرد و مرده من بیرون بکشید.»

چگونه استرالیا به این نقطه رسید؟ و چرا گربه‌ها همچنان چنین واکنش‌های شدیدی برمی‌انگیزند؟

ا گربه‌ها: هم منقور هم محبوب
در طول تاریخ، استرالیایی‌ها هم از گربه‌ها متنفر بوده‌اند و هم عاشق آن‌ها. در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، گربه‌های اصیل بسیار ارزشمند بودند، اما گربه‌های معمولی حیاط خانه‌ها نیز محبوبیت داشتند؛ زیرا توانایی آن‌ها در دور نگه داشتن خطرهای پنهان طبیعت، به‌ویژه مارها، ارزشمندشمرده می‌شد.

در سال ۱۹۳۴، هارولد مورگان درباره گربه فقیدش «مازش» معروف» به نام Humpy-Kai-Kai گفت که این حیوان از چاق‌ترین گاو مزرعه او در منطقه مورینگو، در مرکز نیوساوت‌ولز، نیز ارزشمندتر بوده است.

در اواخر قرن نوزدهم، صدها گربه خانگی در مراتع وسیع رها شدند تا کشور را از شر خرگوش‌های وحشی خلاص کنند. اما با افزایش جمعیت گربه‌ها، پزندشناس استرالیایی ای. جی. کمپبل در سال ۱۹۰۵ اعلام کرد که گربه‌های وحشی «شری هستند که باید از میان برداشته شوند.»

در شهرها نیز تعداد گربه‌های بی‌صاحب افزایش یافت و شوراها ی شهری برای کنترل این مشکل تلاش کردند. سازمان‌هایی مانند انجمن حمایت از گربه‌های ویکتوریا، که در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد، وارد عمل شد و به بسیاری از گربه‌های بی‌خانمان ملبورن غذا و خدمات درمانی ارائه کردند.

ا ناچی کشور تا موجودی منقور

گربه‌هایی که زمانی تصور می‌شد ناچی استرالیا در برابر خرگوش‌های وحشی هستند، در پایان قرن بیستم خود را بی‌خانمان و منقور یافتند.

با این حال، به‌شکلی متناقض، علاقه استرالیایی‌های انگلیسی‌زبان به گربه‌ها همچنان ادامه یافت. روزنامه‌ها و مجله‌ها همچنان داستان‌های فراوانی درباره شیفته‌های گربه‌ها منتشر می‌کردند. در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، پانسیون‌های گربه و مراکز پرورش آن محبوب‌تر شدند و حتی به گزینهای شغلی برای زنان تبدیل شدند.

در دهه‌های بعد، نمایشگاه‌های گربه و انجمن‌های پرورش دهندگان گسترش یافت و تعداد صاحبان گربه افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۷۱، استرالیا نخستین قهرمان گربه‌ای خود را یافت؛ زمانی که استیون موری-اسمیت نوشته احساسی متیو فلاپینز درباره گربه‌اش «تیم» را در میان اسناد او در موزه ملی دریاوردی کینوپیچ لندن کشف کرد.

آغاز جنگ میان دوستداران گربه وحافظان طبیعت تا سال ۱۹۸۸ بیش از سه میلیون گربه خانگی در استرالیا وجود داشت، اما سرنوشت گربه‌ها و صاحبانشان در آستانه تغییر بود.

در در دهه ۱۹۹۰، در کدش به افزایش نگرانی‌ها درباره شکار جانوران بومی به‌دست گربه‌ها و کاهش جمعیت گونه‌های بومی، شوراها ی شهری و منطقه‌ای سراسر کشور پیشنهادهایی برای مدیریت گربه‌های خانگی ارائه کردند.

ادامه مطلب رادر سایت پیام ما بخوانید.



امیرات آریا

مشاور تهیه طرح «مرمت پایگاه جهانی چهل ستون» در گفت‌وگو با «پیام ما» از عمق خسارت جنگ به این اثر می‌گوید

فرصت کوتاه نجات چهل ستون



اکروش دیباج‌ا

روزنامه‌نگار

کاخ‌موزه چهل‌ستون، یکی از شاخص‌ترین بناهای عصر صفوی و از آثار ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو، اکنون در مرحله‌ای قرار گرفته که هرگونه تصمیم شتاب‌زده یا هرگونه تعلل در انجام اقدامات اضطراری، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای این میراث کم‌نظیر به همراه داشته باشد. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، شناخت دقیق رفتار سازه پس از موج انفجار، جلوگیری از گسترش آسیب‌ها و تدوین یک برنامه جامع مرمت مبتنی بر داده‌های علمی است.

در روزهای گذشته، تیم تخصصی تهیه طرح مرمت چهل ستون مطالعات میدانی خود را آغاز کرده است. بررسی معماری، سازه، تزئینات، تأسیسات، برداشت‌های سه‌بعدی، فتوگرامتری و تهیه طرح رفع خطر اضطراری، بخشی از اقداماتی است که هم‌زمان در این مجموعه انجام می‌شود.

«پیام ما» در گفت‌وگویی تفصیلی با فاطمه غلامی، مشاور تهیه طرح مرمت پایگاه جهانی کاخ‌موزه چهل‌ستون، آخرین وضعیت سازه‌ای این بنای جهانی، ابعاد خسارت ناشی از موج انفجار میزان ریسک موجود، ضرورت اقدامات فوری و مسیر پیش‌روی مرمت این اثر تاریخی را بررسی کرده است.

۳ پس از حمله و موج انفجار نخستین ارزیابی شما از وضعیت چهل ستون چه بود؟ در نگاه اولیه بیشترین آسیب‌ها در کدام بخش‌ها مشاهده شد؟

در نخستین بازدیدها، پیش از هر چیز تصاویر ثبت‌شده توسط دوربین‌های مدار بسته و مشاهدات میدانی را بررسی کردیم. در نگاه اول، بیشترین خسارت‌ها در بخش تزئینات، درها و پنجره‌ها و برخی الحاقات بنا مشاهده می‌شد. بخشی از تیغه‌هایی که در دوره‌های مختلف تاریخی به بنا افزوده شده بودند، از محل خود جابه‌جا شده یا فرو ریخته بودند. همچنین قسمت‌هایی از تزئینات سخت بنا دچار ریزش شده بود و متأسفانه هنوز هم در برخی نقاط این روند ادامه دارد، زیرا عملیات پایدارسازی کامل آن‌ها هنوز انجام نشده‌است.

البته این‌ها آسیب‌هایی بودند که با چشم قابل مشاهده بودند، اما تجربه مرمت بناهای تاریخی به ما می‌گوید که معمولاً آسیب‌های مهم‌تر در لایه‌های پنهان سازه قرار دارند و برای شناسایی آن‌ها باید مطالعات تخصصی انجام شود. به همین دلیل، از همان روزهای نخست، بررسی‌های ما صرفاً به آسیب‌های ظاهری محدود نماند.

۴ این مطالعات دقیق با چه سازوکاری آغاز شد؟

ما هم‌زمان پنج جبهه مطالعاتی را فعال کردیم. کارشناسان حوزه معماری، سازه، تزئینات، تأسیسات و مستندسازی به‌طور هم‌زمان وارد کار شدند. علاوه بر مطالعات تخصصی، عملیات نقشه‌برداری دقیق، برداشت سه‌بعدی و فتوگرامتری نیز آغاز شد تا بتوانیم تصویری کامل از وضعیت موجود بنا تهیه کنیم.

در همه پروژه‌های مرمتی، نخستین مرحله، تهیه طرح رفع خطر اضطراری است. در این مرحله تلاش می‌کنیم بخش‌هایی را که بیشترین احتمال گسترش آسیب یا خطر برای بنا و حتی بازدیدکنندگان دارند، شناسایی و به‌صورت موقت پایدار کنیم تا فرصت کافی برای تدوین طرح جامع مرمت فراهم شود. در جریان همین بررسی‌های اولیه بود که ما موضوعی رویه‌رو شدید که اهمیت آن بسیار فراتر از آسیب‌های ظاهری بود.

۵ منظورتان آسیب‌های سازه‌ای است؟

دقیقاً. در جریان مطالعات متوجه شدیم بخشی از آسیب‌هایی که در نگاه نخست قابل مشاهده نبود، مربوط به سازه اصلی بناست. یکی از مهم‌ترین موارد، بروز کماتش در تعدادی از ستون‌های چوبی بود. علاوه بر آن، در سازه خرابیایی سقف نیز آسیب‌هایی مشاهده شد که از نظر فنی بسیار قابل توجه هستند. باید توجه داشت که سازه چوبی چهل ستون از نظر مهندسی، یکی از ارزشمندترین و کم‌نظیرترین نمونه‌های تاریخی کشور محسوب می‌شود. بنابراین هرگونه آسیب در این بخش، حساسیت بسیار بالایی دارد.

در بررسی خراب‌ها مشاهده کردیم تعدادی از اعضای مورب چوبی که قطر کمتری دارند، دچار ترک‌های طولی،

ترک‌های عرضی و حتی شکستگی شده‌اند. وقتی یک عضو خرابیای دچار شکستگی می‌شود، دیگر نمی‌تواند عملکرد باربری اولیه خود را حفظ کند و این موضوع از نظر سازه‌ای بسیار مهم است.

۶ آیا این آسیب‌ها مستقیماً ناشی از موج انفجار هستند؟

هنوز برای چنین نتیجه‌گیری قطعی زود است. ما در حال حاضر فرضیه‌های مختلف را بررسی می‌کنیم و تلاش داریم با تکیه بر مطالعات علمی به جمع‌بندی برسیم. یکی از مشکلات اساسی ما این است که پیش از وقوع این حادثه، سامانه پایش دائمی روی بنا وجود نداشت. اگر ترک سنج‌ها، تجهیزات پایش یا برداشت‌های دقیق دورهای از وضعیت ستون‌ها در اختیار داشتیم، امروز با دقت بیشتری می‌توانستیم بگوییم کدام آسیب‌ها جدید هستند و کدام آسیب‌ها از گذشته وجود داشته‌اند و تنها تشدید شده‌اند.

در حال حاضر ناچاریم علاوه بر مطالعات میدانی، به مستندات تاریخی و گزارش‌های مرمت‌های گذشته مراجعه کنیم تا بتوانیم رفتار سازه را تحلیل کنیم.

۷ این مطالعات تاریخی تا چه اندازه در شناخت وضعیت فعلی به شما کمک کرده است؟

خوشبختانه بخش مهمی از اسناد مربوط به مرمت‌های چند دهه گذشته در دسترس است. ما اکنون در حال بازخوانی همه این گزارش‌ها هستیم. مطالعاتی که از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی روی چهل ستون انجام شده و عملیات استحکام بخشی آن دوره، برای ما اهمیت زیادی دارد.

در بررسی این اسناد به نکته بسیار مهمی رسیدیم. ستون‌هایی که امروز دچار کماتش شده‌اند، همان ستون‌هایی هستند که در عملیات استحکام بخشی گذشته تقویت نشده بودند. در مقابل، ستون‌هایی که در آن دوره تقویت شده و در هسته آن‌ها عناصر فلزی قرار گرفته بود، تاکنون رفتار متفاوتی را در اختیار نداریم.

همین موضوع یکی از فرضیه‌های مهم ما را تقویت می‌کند که تفاوت عملکرد ستون‌ها می‌تواند با نوع مداخلات گذشته ارتباط داشته باشد، هرچند هنوز برای نتیجه‌گیری نهایی باید مطالعات بیشتری انجام شود.

۸ آیا برای بررسی این سوابق از تجربه کارشناسان بین‌المللی نیز استفاده می‌کنید؟

بله. یکی از اقداماتی که انجام داده‌ایم، برقراری ارتباط با گروهی از متخصصانی است که در مرمت‌های گذشته چهل ستون نقش داشته‌اند.

در این مسیر موفق شدیم از طریق گروه ایکروم و همکاران بین‌المللی، با یکی از شاگردان پروفیسور روبرتو اوراسی، که از اعضای تیم مطالعاتی پروژه‌های مرمت اصفهان بوده است، ارتباط برقرار کنیم. همچنین آثار و کتاب‌هایی که او در سال‌های اخیر منتشر کرده است، در حال بررسی است و قرار است به‌زودی نیز جلسه‌ای برخط با وی برگزار کنیم.

هدف ما این است که علاوه بر گزارش‌های منتشرشده، از تجربه مستقیم متخصصانی که در عملیات استحکام بخشی دهه‌های گذشته حضور داشته‌اند نیز استفاده کنیم؛ زیرا بسیاری از جزئیات اجرایی ممکن است در گزارش‌های رسمی ثبت نشده باشد و این اطلاعات برای تحلیل رفتار امروز سازه بسیار ارزشمند است.

۹ با اینکه مطالعات هنوز ادامه دارد، اگر بخواهیم بر اساس یافته‌های فعلی وضعیت سازه‌ای چهل ستون را توصیف کنیم، آیا می‌توان گفت بنا در شرایط پایدار قرار دارد یا باید آن را در وضعیت پرریسک ارزیابی کرد؟

باید بین وضعیت فعلی و آینده بنا تفاوت قائل شویم. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم این است که بنا در حال حاضر به مرحله فروپاشی نرسیده و می‌توان گفت در شرایط نسبتاً پایدار قرار دارد، اما این پایداری به‌معنای نبود خطر نیست. ما در بخش‌هایی از سازه با ضعف‌هایی رویه‌رو شده‌ایم که اگر برای آن‌ها اقدام فوری انجام نشود، احتمال گسترش آسیب‌ها وجود دارد.

به‌طور مشخص، در سازه خرابیایی سقف تعدادی از اعضای مورب چوبی دچار ترک‌های طولی، عرضی و حتی شکستگی شده‌اند. این اعضا اکنون دیگر نقش باربری اولیه خود را به‌طور کامل ایفا نمی‌کنند و همین موضوع باعث می‌شود

بخشی از مسیر انتقال بار در سازه دچار اختلال شود.

از سوی دیگر همین آسیب‌ها در مجاورت ستون‌هایی مشاهده شده که دچار کماتش شده‌اند. این هم‌زمانی برای ما اهمیت زیادی دارد، زیرا ممکن است میان این دو پدیده ارتباط سازه‌ای وجود داشته باشد؛ موضوعی که باید با هنوز برای چنین نتیجه‌گیری قطعی زود است. ما در حال حاضر فرضیه‌های مختلف را بررسی می‌کنیم و تلاش داریم با تکیه بر مطالعات علمی به جمع‌بندی برسیم.

۱۰ در چنین شرایطی نخستین اقدام حفاظتی چه خواهد بود؟

نخستین اقدام، کاهش بار از روی بخش‌های آسیب‌دیده است. به عبارت دیگر باید قسمت‌هایی که عملکرد باربری آن‌ها تضعیف شده است، با استفاده از سازه‌های موقت تقویت شوند. این کار می‌تواند با داربست‌های مهندسی، شمع‌های موقت یا سایر روش‌هایی که اکنون در حال طراحی آن‌ها هستیم، انجام شود.

در واقع، هدف این است که تا زمان تدوین طرح جامع مرمت و اجرای عملیات استحکام بخشی، اجازه ندهیم فشارهای موجود موجب گسترش آسیب یا تغییر شکل بیشتر سازه شود.

این مرحله را در مرمت بناهای تاریخی «رفع خطر اضطراری» می‌نامیم؛ اقدامی که پیش از هر عملیات مرمتی باید انجام شود، زیرا در این مرحله حفظ جان بنا از هر موضوع دیگری مهم‌تر است.

۱۱ یکی از نگرانی‌های متخصصان، ادامه نشست ستون‌ها و همچنین اثر هم‌زمان فرونشست زمین در اصفهان است. آیا در بررسی‌های شما چنین موضوعی نیز مورد توجه قرار گرفته است؟

بدون تردید، امروز هیچ بررسی سازه‌ای در اصفهان نمی‌تواند موضوع فرونشست را نادیده بگیرد. اما درباره چهل ستون باید با احتیاط صحبت کنیم، زیرا هنوز داده‌های کافی برای تحلیل رفتار بلندمدت بنا در اختیار نداریم.

آنچه اکنون به آن نیاز داریم، یک نظام پایش دائمی است. باید ترک سنج‌ها، کرکومترها و تجهیزات اندازه‌گیری دیجیتال و دستی روی بخش‌های مختلف بنا نصب شود تا بتوان رفتار ترک‌ها، ستون‌ها و اجزای سازه را در بازه‌های زمانی مختلف بررسی کرد.

در حال حاضر فقط برداشت اولیه انجام شده است. این برداشت به‌تنهایی نمی‌تواند نشان دهد که آیا ترک‌ها فعال هستند یا خیر. ما باید پس از گذشت زمان، دوباره همان نقاط را اندازه‌گیری کنیم و نتایج را با داده‌های اولیه مقایسه کنیم. تنها در این صورت می‌توان گفت ترک‌ها در حال پیشروی هستند یا به وضعیت پایدار رسیده‌اند.

۱۲ بنابراین هنوز نمی‌توان درباره میزان پیشرفت آسیب‌ها اظهار نظر قطعی کرد؟

دقیقاً همین‌طور است. بخش زیادی از نتایجی که امروز درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم، حاصل مطالعات یکی، دو هفته اخیر است. طبیعی است که در چنین فاصله زمانی کوتاهی امکان تحلیل رفتار بلندمدت سازه وجود ندارد.

ما اکنون تنها می‌توانیم بگوییم که ضعف‌های سازه‌ای شناسایی شده‌اند و این ضعف‌ها نیازمند اقدام فوری هستند. اما اینکه مثلاً میزان کماتش ستون‌ها در حال افزایش است یا خیر یا ترک‌ها با چه سرعتی گسترش پیدا می‌کنند، موضوعی است که تنها از طریق پایش مستمر قابل پاسخ خواهد بود. به همین دلیل، نخستین هشدار ما به پایگاه جهانی چهل ستون نیز بر همین اساس بود؛ اینکه باید هرچه سریع‌تر عملیات رفع خطر اضطراری اجرا شود تا فرصت کافی برای انجام مطالعات دقیق فراهم شود.

۱۳ اگر این اقدامات اضطراری انجام نشود، چه پیامدی ممکن است در انتظار بنا باشد؟

در بناهای تاریخی، آسیب‌ها معمولاً به‌صورت تدریجی گسترش پیدا می‌کنند. اگر بخش‌های آسیب‌دیده بدون تقویت باقی بمانند، احتمال افزایش تغییر شکل، گسترش ترک‌ها و در نهایت آسیب‌های جدی‌تر وجود خواهد داشت. در حال حاضر نیز بخشی از تزئینات همچنان در معرض ریزش قرار دارند. قطعاتی از آینه‌کاری‌ها و تزئینات چوبی سقف هنوز کاملاً پایدار نشده‌اند و در برخی نقاط احتمال ریزش وجود دارد.

اما درباره سازه، موضوع متفاوت است. تغییرات سازه‌ای را نمی‌توان با مشاهده روزانه تشخیص داد. هیچ‌کس با نگاه کردن به یک ستون نمی‌تواند بگوید امروز نسبت به هفته گذشته چند میلی‌متر تغییر کرده است. این موضوع تنها با ابزارهای دقیق اندازه‌گیری و ثبت مستمر داده‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.

به همین دلیل تأکید ما این است که پایش باید هرچه سریع‌تر آغاز شود تا بتوان رفتار واقعی سازه را شناخت.

۱۴ تاکنون آسیب‌سازای تنها در چهار ستون مشاهده شده یا احتمال آسیب در سایر ستون‌ها نیز وجود دارد؟

بر اساس بررسی‌های اولیه، کماتش تنها در همان تعداد ستون‌هایی مشاهده شده که اکنون درباره آن‌ها صحبت می‌کنیم و در سایر ستون‌ها چنین پدیده‌ای دیده نشده است.

البته هنوز یک پرسش اساسی برای ما وجود دارد. آیا این کماتش‌ها پیش از حادثه نیز وجود داشته‌اند و موج انفجار تنها آن‌ها را تشدید کرده است یا اینکه این تغییر شکل‌ها مستقیماً پس از انفجار ایجاد شده‌اند؟

این پرسشی است که پاسخ آن برای تحلیل رفتار سازه اهمیت بسیار زیادی دارد و به همین دلیل، بخش قابل توجهی از مطالعات ما به بررسی اسناد تاریخی و مستندات گذشته اختصاص یافته است.

۱۵ آیا تاکنون میزان دقیق انحراف یا کماتش ستون‌ها اندازه‌گیری شده است؟

اندازه‌گیری‌ها در حال انجام است، اما هنوز کامل نشده‌اند. تیم نقشه‌برداری همچنان در مجموعه حضور دارد و برداشت به‌سعدی تمام ستون‌ها ادامه دارد.

پس از تکمیل این برداشت‌ها، میزان دقیق تغییر شکل‌ها بر حسب میلی‌متر استخراج خواهد شد و در اختیار پایگاه جهانی چهل ستون و مراجع تخصصی قرار می‌گیرد.

در این مرحله نمی‌توانم عدد دقیقی اعلام کنم، زیرا هنوز همه داده‌ها پردازش نشده‌اند و انتشار اطلاعات ناقص می‌تواند باعث برداشت نادرست شود.

البته آنچه در برخی ستون‌ها مشاهده کرده‌ایم، صرفاً انحراف نیست، بلکه پدیده کماتش است؛ یعنی تغییری که از نظر سازه‌ای مفهوم مشخصی دارد و با انحراف ساده تفاوت می‌کند. در بعضی زوایا حتی با چشم نیز می‌توان آثار این تغییر شکل را مشاهده کرد، اما قضاوت دقیق درباره میزان آن، نیازمند اندازه‌گیری‌های تخصصی است.

۱۶ با جمع‌بندی مطالعاتی که تاکنون انجام شده، اگر بخواهید تصویری کلی از وضعیت فعلی چهل ستون ارائه دهید، مهم‌ترین نگرانی شما چیست؟

مهم‌ترین نگرانی ما این است که اکنون دیگر فقط با آسیب‌های تزئینی رویه‌رو نیستیم. اگر صرفاً شیشه‌ها، درها، پنجره‌ها یا بخشی از تزئینات آسیب دیده بود، هرچند آن هم برای چنین بنای ارزشمندی مهم است، اما موضوع در همان حوزه باقی می‌ماند.

اکنون مسئله اصلی این است که بخشی از سازه نیز دچار آسیب شده است. وقتی آسیب به سازه می‌رسد، موضوع دیگری تحت‌حفاظت از تزئینات نیست، بلکه حفظ حیات بنا مطرح می‌شود و به همین دلیل، اعلام وضعیت اضطراری کاملاً توجیه‌پذیر است. در حوزه تزئینات، خوشبختانه بخشی از اقدامات اولیه توسط پایگاه انجام شده است. قطعاتی که احتمال سقوط داشتند، جمع‌آوری، گذگذاری و برای مرمت مستندسازی شدند. اما در بخش سازه هنوز وارد مرحله مداخله اجرایی نشده‌ایم. اکنون که شواهد آسیب سازه‌ای به دست آمده، لازم است عملیات رفع خطر اضطراری بدون اتلاف زمان آغاز شود تا بتوان از پیشروی آسیب‌ها جلوگیری کرد. پس از آن، مطالعات تکمیلی، آزمایش‌های تخصصی و در نهایت تدوین طرح جامع مرمت، مسیر اصلی حفاظت از این اثر جهانی را مشخص خواهد کرد.

۱۷ یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که درباره این حادثه مطرح می‌شود این است که اگر موج انفجار رخ نمی‌داد، آیا اساساً این کماتش‌ها نیز ایجاد نمی‌شدند؟

این دقیقاً همان پرسشی است که برای تیم مطالعاتی ما نیز مطرح است و هنوز پاسخ قطعی برای آن وجود ندارد. در حال حاضر نمی‌توانیم با اطمینان بگوییم که کماتش‌ها کاملاً ناشی از موج انفجار هستند یا اینکه پیش از این نیز زمینه ایجاد آن‌ها وجود داشته و انفجار تنها روند آسیب را تشدید کرده است.

برای پاسخ به این سؤال باید مجموعه‌ای از عوامل را کنار هم قرار دهیم؛ از جمله وضعیت واقعی چوب ستون‌ها، کیفیت مصالح، سوابق مرمت، شرایط باربری، نتایج آزمایش‌های غیرمخرب و مستندات تاریخی. زمانی که این مطالعات تکمیل نشود، هرگونه اظهار نظر قطعی، غیردقیق و غیرعلمی خواهد بود.

تجربه مرمت بناهای تاریخی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، سازه‌های قدیمی به دلیل قدمت زیاد، زمینه بروز برخی آسیب‌ها را در خود دارند و وقوع یک شوک ناگهانی مانند زلزله یا موج انفجار می‌تواند این آسیب‌های نهفته را آشکار یا تشدید کند. البته اینکه در چهل ستون نیز دقیقاً چنین اتفاقی رخ داده باشد، موضوعی است که هنوز در حال بررسی است.

۱۸ چه عواملی می‌تواند در رسیدن به این پاسخ به شما کمک کند؟

مهم‌ترین موضوع، شناخت دقیق وضعیت عناصر چوبی است. باید مشخص شود چوب ستون‌ها و سایر اجزای سازه از نظر مقاومت داخلی در چه وضعیتی قرار دارند. اگر درون

چوب، آسیب‌هایی مانند پوسیدگی، تخریب ناشی از رطوبت یا فعالیت حشرات چوب‌خوار وجود داشته باشد، طبیعی است که مقاومت عضو کاهش پیدا کرده و در برابر یک بار ناگهانی رفتار متفاوتی نشان دهد.

به همین دلیل، مجموعه‌ای از آزمایش‌های غیرمخرب برای شناسایی ویژگی‌های مصالح، وضعیت داخلی عناصر چوبی، بستر بنا و سایر اجزای سازه در دستور کار قرار گرفته است.

در کنار این آزمایش‌ها، بررسی سوابق استحکام بخشی نیز اهمیت زیادی دارد. همان‌طور که اشاره کردم، ستون‌هایی که در دهه‌های گذشته تقویت شده‌اند، تاکنون رفتار متفاوتی نسبت به ستون‌های تقویت‌نشده از خود نشان داده‌اند. این موضوع یکی از نکات مهم مطالعات ماست.

۱۹ در خلال مطالعات، آیا با کمبود اطلاعات و مستندات فنی نیز روبرو شده‌اید؟

بله، یکی از مشکلات جدی ما همین موضوع است. شاید برای بسیاری از افراد عجیب باشد، اما امروز برای یکی از مهم‌ترین بناهای تاریخی کشور مستندات پایه‌ای که انتظار داریم در دسترس باشد، کامل نیست.

به‌عنوان نمونه، نقشه‌های دقیق و به‌روز از همه اجزای بنا در اختیار نداریم و به همین دلیل، یکی از نخستین اقداماتی که انجام دادیم، استقرار تیم نقشه‌برداری و تهیه مستندات دقیق معماری و سازه‌ای بود.

در واقع، بخشی از زمانی که اکنون صرف مطالعات می‌شود، به تهیه اطلاعات پایه اختصاص دارد؛ اطلاعاتی که اگر از سال‌های گذشته به‌صورت منظم تهیه و به‌روزرسانی شده بود، امروز سرعت تحلیل و تصمیم‌گیری بسیار بیشتر می‌شد.

این موضوع نشان می‌دهد که مستندسازی و پایش مستمر، بخشی جدایی‌ناپذیر از حفاظت آثار تاریخی است و نباید تنها پس از وقوع بحران به اهمیت آن پی برد.

۲۰ با توجه به شرایط فعلی، آیا لازم است محدوده حضور گردشگران در کاخ تغییر کند؟

بله، این موضوع یکی از پیشنهاد‌های رسمی ما بوده است. در گزارشی که به پایگاه ارائه کرده‌ایم، تأکید کرده‌ایم تا زمان اجرای اقدامات اضطراری، بخشی از محدوده کاخ نباید در اختیار بازدیدکنندگان قرار گیرد.

محدوده اطراف حوض میر و فضای داخلی ایوان اصلی، به دلیل احتمال ریزش برخی عناصر تزئینی، نیازمند کنترل تردد است. در حال حاضر نیز ورودی بازدید به گونه‌ای مدیریت شده است که گردشگران از مسیر جانبی وارد مجموعه شوند. دلیل این تصمیم صرفاً حفاظت از بنا نیست، بلکه حفظ ایمنی بازدیدکنندگان نیز اهمیت دارد. برخی قطعات آینه‌کاری، تزئینات چوبی و سایر عناصر در ارتفاع حدود ۱۲ تا ۱۳ متری قرار دارند و اگر به هر دلیل سقوط کنند، می‌توانند حادثه‌ای بسیار جدی ایجاد کنند.

به همین دلیل، معتقدیم تا زمانی که عملیات رفع خطر اضطراری به پایان نرسیده است، حضور گردشگران در این محدوده نباید انجام شود.

۲۱ شما در جریان بازدیدها از نزدیک سازه سقف را مشاهده کرده‌اید. نخستین مواجهه با این بخش چه احساسی برایتان داشت؟

واقعیت این است که وقتی وارد فضای خرابی‌های چوبی شدید، عظمت و انسجام این سازه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کرد. با یک شاهکار مهندسی رویه‌رو هستیم که طی چند قرن پابرجا مانده است.

اما در کنار این احساس تحسین، مشاهده شکستگی تعدادی از اعضای خرابا برای ما بسیار نگران‌کننده بود. شاید پیش از ورود به مجموعه تصور می‌کردیم آسیب‌ها بیشتر به تزئینات محدود باشد، اما وقتی دیدیم بخشی از اعضای سازه‌ای نیز دچار شکستگی شده‌اند، اهمیت موضوع برای همه اعضای تیم چند برابر شد.

شکستگی این عضو خرابیایی تنها یک ترک ساده نیست. آن عضو دیگر نمی‌تواند عملکرد سازه‌ای اولیه خود را داشته باشد

و همین موضوع ضرورت مداخله فوری را نشان می‌دهد. از همان زمان بود که به پایگاه اعلام کردیم نباید موضوع صرفاً در حد آسیب به شیشه‌ها یا تزئینات دیده شود. آنچه امروز اهمیت دارد، حفاظت از سازه اصلی بناست؛ زیرا اگر سازه دچار مشکل شود، حفظ سایر ارزش‌های تاریخی و هنری بنا نیز با مخاطره روبرو خواهد شد.

۲۲ اگر بخواید در پایان جمع‌بندی از وضعیت امروز چهل ستون ارائه دهید، مهم‌ترین پیام شما چیست؟

مهم‌ترین نکته این است که مطالعات هنوز ادامه دارد و نباید بر اساس اطلاعات ناقص قضاوت قطعی کرد. اما آنچه امروز با اطمینان می‌توان گفت، این است که آسیب‌های سازه‌ای در بخش‌هایی از بنا شناسایی شده و این موضوع نیازمند اقدام فوری است.

رفع خطر اضطراری، پایش مستمر، انجام آزمایش‌های تخصصی، تکمیل مستندات فنی و تدوین طرح جامع مرمت، پنج گام اصلی حفاظت از چهل ستون در شرایط کنونی هستند.

امیدواریم با همراهی وزارت میراث فرهنگی، پایگاه جهانی چهل ستون و سایر دستگاه‌های مسئول، اعتبارات لازم در کوتاه‌ترین زمان ممکن تأمین شود تا بتوان پیش از گسترش آسیب‌ها، شرایط پایدار و ایمن را برای این اثر ارزشمند جهانی فراهم کرد.

چهل ستون تنها یک بنای تاریخی نیست؛ بخشی از هویت معماری ایران و یکی از شاخص‌ترین میراث فرهنگی جهان است و حفاظت از آن، مسئولیتی ملی و فراتر از یک پروژه مرمتی به شمار می‌رود.



مصوبات رسمی از افزایش چندمرحله‌ای قیمت آب و ابهام

در محاسبه برخی ردیف‌های قبض حکایت دارند

قبضی که عدالت را اندازه نمی‌گیرد

قیمت غیریارانه‌ای هر مترمکعب آب از ۴۵ هزار ریال در سال ۱۴۰۲ به ۱۱۰ هزار ریال در آبان ۱۴۰۴ رسیده و در آخرین مصوبه همان سال، نرخ ۱۴۳ هزار ریالی برای مصارف مشترکان پرمصرف تعیین شده است اما ساختار پیچیده قبوض و بی‌توجهی به تعداد اعضای خانوار، بار افزایش هزینه را میان مشترکان به صورت عادلانه توزیع نمی‌کند



تیر ۱۴۰۵

ا پیام ما ا عدد نهایی در پایین قبض، از دیگر رقم‌ها درشت‌تر است: ۱۴ میلیون و ۹۲۸ هزار و ۱۷ ریال. این قبض، نمونه‌ای فرضی در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس برای نمایش شیوه محاسبه تعرفه یک خانوار پنج‌نفره تهرانی است که در ۴۵ روز، ۵۰ مترمکعب آب مصرف کرده است؛ مصرفی معادل حدود ۴۶۷ لیتر برای هر نفر در شبانه‌روز که بیش از ۲.۴ برابر میانگین ۱۹۲ لیتری مصرف خانگی کشور است. بنابراین، این نمونه را نمی‌توان قبض یک خانوار متوسط دانست و به نظر می‌رسد برای توضیح شیوه محاسبه هزینه مشترکان پرمصرف انتخاب شده باشد.

باین‌حال، حتی در این نمونه پرمصرف نیز آب‌بها تنها بخشی از مبلغ نهایی است. فاضلاب‌بها، دو آيونمان جداگانه، عوارض قانون حمايت از خانواده و جوانی جمعيت، مبلغی بر اساس قانون بودجه و مالیات بر ارزش‌افزوده، یکی پس از دیگری به صورت حساب افزوده شده‌اند. برای خانواده‌ای که قبض را در دست می‌گیرد، پرسش فقط این نیست که چرا آب گران شده است؛ مسئله این است که هر ردیف بر چه مبنایی محاسبه می‌شود، کدام مبلغ بابت مصرف واقعی آب است، کدام مبلغ عوارض قانونی است و درآمدهای دریافت‌شده در چه بخشی هزینه می‌شود.

قیمت آب در ایران طی سال‌های اخیر به‌آرامی و براساس یک مسیر ثابت افزایش نیافته است. مصوبه «تعرفه‌های آب، خدمات دفع فاضلاب و شرایط عمومی آنها» به شماره ۱۴۰۲/۲۴۹۹۳/۲۰/۱۰۰ مورخ ۲۴ تیر ۱۴۰۲، قیمت غیریارانه‌ای هر مترمکعب آب ۴۵ هزار ریال تعیین کرد.

در ابلاغیه شماره ۱۴۰۳/۴۱۲۲۱/۱۴۰۳ مورخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۳، این رقم برای شش‌ماهه دوم سال به ۷۰ هزار ریال افزایش یافت؛ یعنی قیمت در فاصله حدود یک سال، ۵۵.۵ درصد افزایش پیدا کرد.

افزایش‌ها در سال ۱۴۰۴ نیز ادامه یافت. وزارت نیرو در مصوبه شماره ۱۴۰۴/۱۵۹۸/۱۴۰۴ مورخ ۳۱ فروردین ۱۴۰۴، قیمت غیریارانه‌ای آب را ۹۰ هزار ریال تعیین کرد. سپس در مصوبه شماره ۱۴۰۴/۷۵۸۳/۱۴۰۴ مورخ ۲۴ آبان، این رقم به ۱۰۰ هزار ریال رسید.

در ۲۷ اسفند همان سال نیز مصوبه شماره ۱۴۰۴/۱۵۹۸۶۸/۱۴۰۴ صادر شد که در عنوان رسمی آن، قیمت ۱۴۳ هزار ریالی برای «مصارف مشترکان پرمصرف» تعیین شده است. این قید اهمیت دارد؛ زیرا برخلاف دو مصوبه پیشین که عنوانی عمومی داشتند، نمی‌توان نرخ ۱۴۳ هزار ریالی را بدون توضیح، قیمت یکسان آب برای همه مشترکان دانست.

به این ترتیب، قیمت غیریارانه‌ای آب در فاصله سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ چند بار تغییر کرده است. تکرار مصوبات در یک سال، از تلاش سیاست‌گذار برای نزدیک‌کردن درآمدهای بخش آب به هزینه‌های روبه‌افزایش تأمین، تصفیه و انتقال آب حکایت دارد؛ اما هم‌زمان، امکان پیش‌بینی هزینه‌ها را برای خانوارها کاهش می‌دهد و تصویری ناپایدار از اقتصاد آب ارائه می‌کند.

آيونمان آب و فاضلاب نیز مسیر تندی‌تر از طی کرده است. رقم هر آيونمان که در سال ۱۴۰۲ معادل ۱۰ هزار ریال اعلام شده بود، در نمونه محاسباتی مبتنی بر نرخ ۱۴۳ هزار ریالی، به ۱۱۴ هزار و ۴۰۰ ریال رسیده است. این رقم برای هر یک از آيونمان آب و فاضلاب به‌طور جداگانه محاسبه می‌شود. بنابراین، مجموع دو آيونمان در قبض نمونه، ۲۲۸ هزار و ۸۰۰ ریال است.

قبض یک خانوار پرمصرف

در نمونه فرضی گزارش، آب‌بها با رقم هفت میلیون و ۵۶۷ هزار و ۵۶۰ ریال، بزرگ‌ترین جزء صورت‌حساب است. پس از آن، پنج میلیون و ۲۹۷ هزار و ۲۹۲ ریال بابت خدمات فاضلاب محاسبه شده است. آيونمان آب ۱۱۴ هزار و ۴۰۰ ریال و آيونمان فاضلاب نیز به همین میزان است.

همچنین، ۵۰ هزار ریال با استناد به قانون حمايت از خانواده و جوانی جمعيت به ۴۲۰ هزار ریال بر اساس قانون بودجه سال ۱۴۰۴ به قبض افزوده شده است. مالیات بر ارزش‌افزوده نیز یک میلیون و ۳۰۹ هزار و ۳۶۵ ریال محاسبه شده است.

این مالیات بر کل مبلغ صورت‌حساب اعمال نشده است، نرخ ۱۰ درصد فقط به مجموع آب‌بها، فاضلاب‌بها و دو آيونمان تعلق گرفته و دو ردیف مربوط به قانون جوانی جمعیت و قانون بودجه، مشمول مالیات نشده‌اند. حاصل، قبضی نزدیک به یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. اگر این مبلغ به‌طور مساوی میان پنج عضو خانواده تقسیم شود، سهم هر نفر نزدیک به ۳۰۰ هزار تومان خواهد بود؛ اما این تقسیم ساده، واقعیت نظام تعرفه‌گذاری را

پیام انرژی

شبکه فاضلاب، اصلاح آب‌رسانی روستایی یا طرح‌های عمرانی دریافت می‌شود، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

هنگامی که مسیر ورود و هزینه‌کرد این منابع به‌صورت عمومی و قابل فهم منتشر نشود، مشترک نمی‌تواند تشخیص دهد مبلغ پرداختی او برای نگهداری روزمره شبکه هزینه شده است یا برای توسعه تأسیسات آینده کنار گذاشته می‌شود.

نظارت در یک ساختار پیچیده

گزارش «بررسی تعارض منافع در بخش آب کشور از دیدگاه نظارتی» مرکز پژوهش‌های مجلس، مسئله را در چارچوبی گسترده‌تر بررسی می‌کند. بخش آب، به‌دلیل درهم‌تنیدگی وظایف سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، اجرا، بهره‌برداری و نظارت، در برابر تعارض منافع ساختاری آسیب‌پذیر است. وزارت نیرو و شرکت‌های وابسته، از یک سو در تعیین تعرفه، حفاظت از منابع و نظارت بر عملکرد مجموعه‌های آب نقش دارند و از سوی دیگر، تأمین و فروش آب، اجرای پروژه‌ها، صدور صورت‌حساب و وصول درآمد را بر عهده دارند. این گزارش، تعارض منافع را فقط به تخلف یک مدیر یا رابطه مالی یک فرد محدود نمی‌کند؛ مسئله، ساختاری است که وظایف متفاوت و گاه متعارض را در یک زنجیره اداری و شرکتی گرد هم آورده است. چنین ساختاری می‌تواند استقلال نظارت را کاهش دهد و ارزیابی هزینه‌ها، کیفیت خدمات و کارایی پروژه‌ها را دشوار کند.

در نسخه اولیه این گزارش، رسانه‌ای، به احتمال درآمد شرکت‌ها از جرایم اضافه‌برداشت اشاره شده بود؛ اما چنین گزاره‌ای در متن گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس وجود ندارد و مستند مستقلی نیز برای آن ارائه نشده است. ازاین‌رو، نمی‌توان آن را به‌عنوان نمونه‌ای از تعارض منافع در بخش آب مطرح کرد.

آتجه می‌توان با استناد به گزارش گفت، این است که شرکت‌های آب و فاضلاب برای نگهداری و توسعه شبکه به درآمد نیاز دارند و قیمت‌های تکلیفی ممکن است همه هزینه‌های تولید، تصفیه و انتقال آب را پوشش ندهند. در چنین شرایطی، افزایش تعرفه و افزودن ردیف‌های قانونی، راهی برای کاهش شکاف مالی تلقی می‌شود. اما وقتی نهاد ارائه‌دهنده خدمت، در محاسبه هزینه و گزارش‌دهی مالی نیز نقش اصلی دارد، نبود تنظیم‌گر مستقل و شفافیت ناکافی می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند.

واقعیت‌ترشن قیمت آب، به‌خودی‌خود سیاستی نادرست نیست. آب در کشوری خشک و درگیر افت آيونمان‌ها، نمی‌تواند کالایی بی‌ارزش تلقی شود. پایین نگه‌داشتن مصنوعی قیمت ممکن است مصرف بیشتر را تشویق کند و منابع لازم برای تعمیر شبکه‌های فرسوده را کاهش دهد. اما اصلاح قیمت، زمانی به پایداری کمک می‌کند که هم‌زمان چند شرط برقرار باشد: صورت‌حساب برای مشترک قابل فهم باشد؛ فرمول محاسبه هر ردیف به‌روشنی اعلام شود؛ تعداد اعضای خانوار در حمایت‌های تعرفه‌ای لحاظ شود؛ شرکت‌ها در اجرای قوانین وحدت رویه داشته باشند و نهاد دریافت‌کننده وجوه، درباره محل هزینه‌کرد آن پاسخ‌گو باشد.

در غیر این صورت، افزایش تعرفه ممکن است فقط هزینه بحران را از ساختار ناکارآمد به مصرف‌کننده منتقل کند. مشترکی که نشتی شبکه، قطعی یا افت فشار را تجربه می‌کند، با دیدن افزایش قیمت می‌پرسد آیا کیفیت خدمات نیز به همان نسبت بهبود یافته است؟ خانواده‌ای که در ساختمانی قدیمی با کنتور مشترک زندگی می‌کند، می‌پرسد چرا باید پیامد مصرف همسایه را بپردازد. خانوار پرمجمعیت نیز می‌خواهد بداند چرا سامانه‌ای که برای حمایت از الگوی مصرف طراحی شده، تعداد افراد خانواده را در محاسبات خود لحاظ نمی‌کند.

راهکارهای مطرح‌شده در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از تکنیک وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری آغاز می‌شود. استقلال مالی بخش سیاست‌گذاری و حفاظت از منابع آب در درآمد شرکت‌ها، افشای منافع مدیران و ذی‌نفعان، شفاف‌سازی قرارداده‌ا و تشکیل یک نهاد نظارتی ملی مستقل، از مهم‌ترین پیشنهادهای این گزارش است.

برای قبوض خانگی نیز اصلاح می‌تواند از اقدام‌هایی روشن آغاز شود؛ تفکیک دقیق اجزای صورت‌حساب، درج ماده و بند قانونی، نمایش فرمول محاسبه، اعلام محل هزینه‌کرد درآمدها و ثبت تعداد اعضای خانوار، توسعه کنتورهای مستقل برای واحدهای مسکونی نیز فقط اقدامی فنی نیست، بلکه یکی از زیرساخت‌های اجرای عادلانه تعرفه پلکانی به شمار می‌رود.

آب اززان و بی‌حساب، نمی‌تواند پاسخ بحران کم‌آبی ایران باشد؛ همان‌گونه که آب گران و مبهم نیز لزوماً به مدیریت مصرف و افزایش اعتماد عمومی منجر نمی‌شود. میان این دو، مسیری وجود دارد که قیمت را با شفافیت، حمايت و اعتمادی، وحدت رویه و پاسخ‌گویی پیوند می‌دهد. تا زمانی که قبض آب فقط حجم مصرف را ببیند و انسان‌های پشت کنتور را نشانسد، هر افزایش تعرفه‌ای این پرسش را زنده نگه می‌دارد: هزینه حفاظت از آب را چه کسی می‌پردازد و چه کسی درباره نحوه محاسبه و محل هزینه‌کرد آن پاسخ‌گو است؟



ا خبر

آغاز استفاده آزمایشی از بنزین تجدیدپذیر در اسپانیا

گروه بی‌ام‌دبلیو و تویوتا موتور اروپا، یک طرح آزمایشی شش‌ماهه را برای استفاده از بنزین تجدیدپذیر «نکسا ۹۵» (Nexa ۹۵) شرکت ریسول آغاز کرده‌اند. هدف این طرح، بررسی امکان استفاده گسترده از سوخت تجدیدپذیر در خودروهای موجود است.

شرکت انرژی اسپانیایی ریسول در بیانیه‌ای اعلام کرد نتایج این طرح آزمایشی را با سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا به اشتراک می‌گذارد. این شرکت اعلام کرد با توجه به اینکه سیاست‌های اتحادیه اروپا در حال حاضر عمدتاً بر برقی‌سازی متمرکز است، این پروژه با هدف نشان دادن نقش مکمل و مقیاس‌پذیر سوخت‌های تجدیدپذیر در کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن اجرایی‌شود.

این طرح در اسپانیا با استفاده از حدود ۲۰ دستگاه خودرو متعلق به تویوتای ژاپن و بی‌ام‌دبلیوی آلمان اجرایی‌شود. این خودروها از سوخت «نکسا ۹۵» استفاده می‌کنند که به گفته ریسول، از ۱۰ درصد منابع تجدیدپذیر تولید شده است. شرکت بوش نیز فناوری ردیابی دیجیتال این سوخت را فراهم‌می‌کند.

ریسول اعلام کرد هدف این طرح، ارائه شواهد عملی و مستند برای اثبات این موضوع است که خودروهایی که به‌طور کامل با سوخت‌های تجدیدپذیر کار می‌کنند، قابلیت استفاده مؤثر در مقیاس گسترده را دارند و می‌توانند در کنار دیگر فناوری‌ها، به فرایند کربن‌زدایی بخش حمل‌ونقل اروپا کمک کنند.

ریسول سال گذشته با آغاز تولید بنزین ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر در مقیاس صنعتی در مجتمع تاراگونا، آلمان اقدام به یک «نقطه عطف فناورانه» خبر داد. این شرکت در بیانیه‌ای که هشتم اکتبر ۲۰۲۵ منتشر کرد، اعلام کرد: «این محصول جدید که به‌طور کامل از منابع تجدیدپذیر تولید شده است، بدون نیاز به هیچ‌گونه تغییر با خودروهای بنزینی سازگار است. استفاده از این سوخت، در مقایسه با بنزین معمولی، انتشار خالص دی‌اکسیدکربن را بیش از ۷۰ درصد کاهش می‌دهد.»

ریسول همچنین اعلام کرد دیل تجدیدپذیری که پیش‌تر توسعه داده بود، در خودروها، کامیون‌ها و کشتی‌های موجود نیز قابل استفاده است. این شرکت در ماه مه امسال نیز از آغاز تولید دیزل تجدیدپذیر در مجتمع صنعتی پورتویانو (Puertollano) در استان سیودا رئال اسپانیا خبر داد. این مجتمع، دومین کارخانه ریسول است که به‌طور اختصاصی سوخت‌های ۱۰۰ درصد تجدیدپذیر تولید می‌کند.

پروژه پورتویانو که از تبدیل یک واحد پالایشگاهی ایجاد شده است، ظرفیت تولید سالانه حداکثر ۲۰ هزار تن رادار، به‌گفته ریسول، کارخانه پیشین این شرکت در کارتاخنا نیز ظرفیت تولید ۲۵۰ هزار تن در سال را دارد.

ریسول در ۲۶ مه اعلام کرد: «برای اجرای پروژه پورتویانو، این شرکت برای نخستین بار در جزیرهایبوری، ۱۳۰ میلیون یورو (۱۴۸.۴۷ میلیون دلار) سرمایه‌گذاری کرده است تا یک واحد پالایشگاهی که پیش‌تر مواد اولیه فسیلی را فراوری می‌کرد، به تأسیساتی تبدیل شود که توان فراوری روغن شناور و مصرف‌های و دیگر پسماندهای صنایع کشاورزی و غذایی را داشته باشد.»

بر اساس گزارش ریگژون، ریسول اعلام کرده است که دیل تجدیدپذیر این شرکت، با در نظر گرفتن چرخه کامل عمر محصول، می‌تواند از انتشار حدود ۷۰ هزار تن دی‌اکسیدکربن در سال، در مقایسه با سوخت‌های متعارفی که جایگزین آن‌ها می‌شود، جلوگیری کند. ایلسا

نوبت اول

اداره کل ثبت اسناد و املاک

استان کرمان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه

ثبت ملک شهر عنبرآباد

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف

وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و
ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۶۸۱-۱۴۰۵ هیات اول موضوع
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و
ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد
ثبتی حوزه ثبت ملک شهر عنبرآباد تصرفات
مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فهیم حیدری‌نژاد
فرزند درویش بشماره شناسنامه ۱۱ صادره از در یک
باب خانه به مساحت ۲۳۹ مترمربع پلاک - فرعی از
۴۹ اصلی فرموز و مجزی شده از پلاک - فرعی از
۴۹ اصلی قطعه - واقع در دکتر ارام قدیم کوچه
دستغیب خریداری از مالک رسمی خاتم فرخنده
امیری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم
مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود
در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند
مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند
اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ
رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض،
دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.
بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم
وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر
خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

شناسه آگهی: ۲۳۳۳۷۴۸۰

پاسخ نقد، حذف نیست

ا پیام ما | برنامه «فوتبال ۳۶۰» دوشنبه‌شب با حدود یک ساعت و ۳۰ دقیقه تأخیر و فقط از طریق اینستاگرام، تلگرام و یوتیوب پخش شد. سایت و اپلیکیشن این پلتفرم نیز از دقایقی پیش از آغاز برنامه از دسترس خارج شده بود. «عادل فردوسی‌پور»، تهیه‌کننده و مجری برنامه، اعلام کرد با وجود پیگیری‌های فنی، علت این اتفاق همچنان مشخص نشده و هیچ پاسخ روشنی در این باره دریافت نکرده‌اند.

این اتفاق دو روز پس از انتقاد فردوسی‌پور از اظهارات «امیر قلعه‌نویی» رخ داد. سرمربی تیم ملی پیش‌تر با انتقاد از سخنان مطرح‌شده درباره عملکرد خود گفته بود نباید به افرادی که به گفته او علیه تیم ملی صحبت می‌کنند، تریبون داده شود. فردوسی‌پور نیز در برنامه اخیر خود به این اظهارات پاسخ داد و تأکید کرد اگر محدودیت ایجادشده به دلیل انتقاد از عملکرد تیم ملی باشد، «بدترین مسیر برای ساکت کردن» یک رسانه انتخاب شده است.

روز سه‌شنبه (۳۰ تیرماه)، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) اعلام کرد هیچ نقشی در از دسترس خارج شدن «فوتبال ۳۶۰» نداشته است. به گفته یکی از مدیران این سازمان، «فوتبال ۳۶۰» مجوز خود را از معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده و اساساً تحت نظارت ساترا نبوده است. همچنین تاکنون هیچ مرجع رسمی، علت این محدودیت را اعلام نکرده است.

اگر محدودیت ایجادشده پاسخی به انتقادهای رسانه‌ای باشد، آیا چنین رویکردی می‌تواند جایگزین پاسخ‌گویی شود؟ نقد عملکرد، به‌ویژه در حوزه‌ای مانند فوتبال که با افکار عمومی گره خورده است، بخشی از فرایند طبیعی فعالیت رسانه‌هاست و پاسخ به آن نیز باید در همان میدان گفت‌وگو و استدلال ارائه شود، نه با محدود کردن بستر انتشار تا زمانی که دلیل رسمی این اتفاق اعلام نشود. ابهام‌ها و گمانه‌زنی‌ها همچنان ادامه خواهد داشت.

فکسه |

مروری بر کتاب «گالری اجساد»

بازنمایی خشونت، مهاجرت و فروپاشی انسان معاصر

شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی عراق، کشورش را ترک کرد و در فنلاند ساکن شد. تجربه جنگ، سرکوب، مهاجرت و آوارگی، تأثیر عمیقی بر آثار او گذاشته است و تقریباً همه نوشته‌هایش بازتاب همین تجربه‌های تلخ و پیچیده‌اند. بلاسم در داستان‌های خود تصویری متفاوت از خاورمیانه ارائه می‌دهد؛ تصویری که نه از دریچه سیاستمداران و رسانه‌ها، بلکه از نگاه انسان‌هایی روایت می‌شود که زندگی‌شان زیر سایه جنگ و خشونت دگرگون شده است. سبک



او ترکیبی از واقع‌گرایی، سوررئالیسم، طنز سیاه و عناصر کابوس‌گونه است و همین ویژگی سبب شده تأثیرش در سطح جهانی مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرارگیرد.

کتاب «گالری اجساد» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه حسن بلاسم است که از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌آید. این کتاب، خواننده را به جهانی می‌برد که مرز میان واقعیت و خیال در آن بارها شکسته می‌شود. داستان‌های این مجموعه اغلب در فضایی شکل می‌گیرند که جنگ، مرگ، ترس و بی‌ثباتی به بخشی عادی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. آنچه «گالری اجساد» را از بسیاری از آثار مرتبط با جنگ متمایز می‌کند، شیوه روایت خاص نویسنده است. بلاسم، به جای آنکه صرفاً از وقایع تاریخی یا درگیری‌های نظامی سخن بگوید، به تأثیرهای روانی و انسانی این بحران‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد خشونت چگونه ذهن و روح انسان را دگرگون می‌کند.

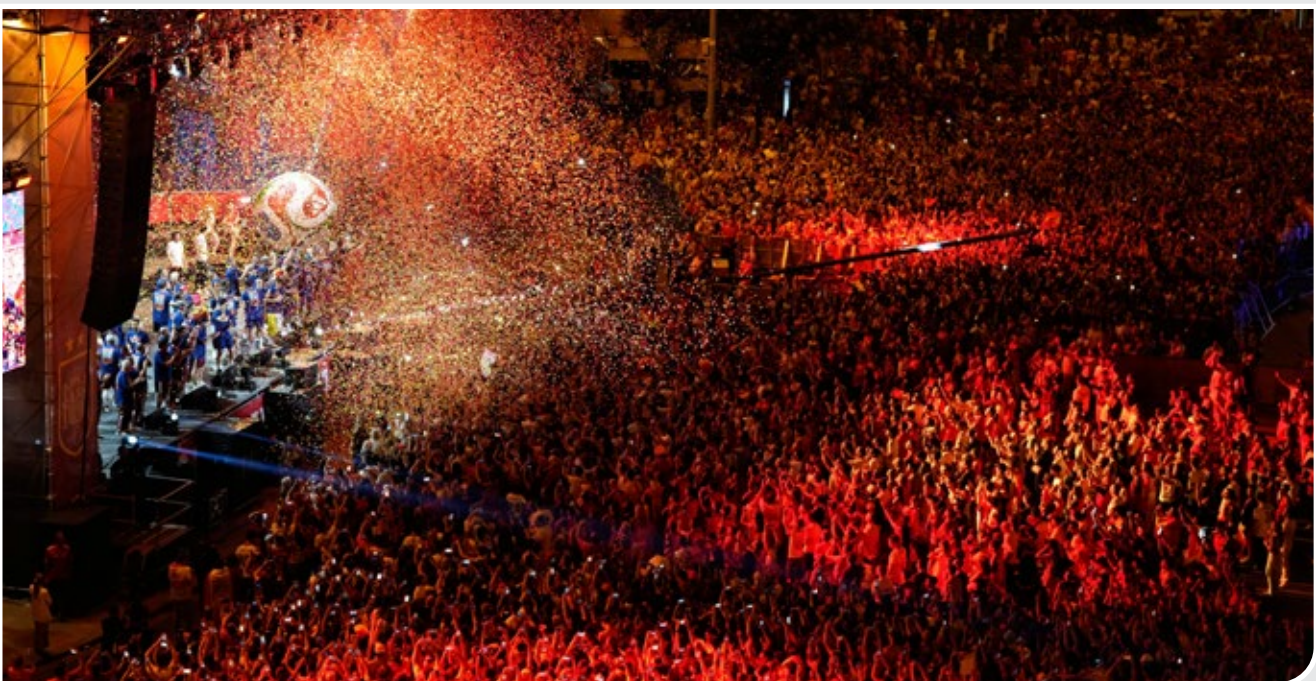
عنوان کتاب نیز به‌خوبی فضای کلی آن را بازتاب می‌دهد. «گالری اجساد» تنها اشاره‌ای به مرگ فیزیکی انسان‌ها نیست، بلکه نمادی از جهانی است که در آن ارزش‌های انسانی، امیدها و آرزوها نیز قربانی خشونت و آشوب شده‌اند. در بسیاری از داستان‌های این مجموعه، شخصیت‌ها با موقعیت‌هایی عجیب و گاه هولناک روبه‌رو می‌شوند؛ موقعیت‌هایی که در نگاه نخست غیرواقعی به نظر می‌رسند، اما در حقیقت بازتاب واقعیتی هستند که آن‌قدر تلخ و غیرقابل‌باور است که به مرز خیال

نزدیک می‌شود.

یکی از مهم‌ترین مضامین کتاب، مسئله هویت است. شخصیت‌های بلاسم اغلب افرادی هستند که بر اثر جنگ، مهاجرت یا سرکوب سیاسی، ارتباط خود را با گذشته و هویت پیشین‌شان از دست داده‌اند. آن‌ها در جست‌وجوی معنایی برای زندگی خود هستند، اما جهانی که در آن زندگی می‌کنند، مدام این معنا را از آنان دریغ می‌کند. نویسنده از خلال این شخصیت‌ها، پرسش‌هایی عمیق درباره انسان، خشونت، سروشت و امکان حفظ کرامت انسانی در شرایط بحرانی مطرح می‌کند.

ویژگی برجسته دیگر کتاب، زبان و سبک روایت آن است. حسن بلاسم از زبانی تصویری و تأثیرگذار استفاده می‌کند و در عین حال، از به‌کارگیری عناصر فرواقعی هراسی ندارد. در برخی داستان‌ها، اتفاقاتی رخ می‌دهد که منطق معمول زندگی را زیر سؤال می‌برد، اما همین عناصر سوررئال به نویسنده کمک می‌کنند تا واقعیت تلخ جنگ را از زاویه‌ای تازه نشان دهد. خواننده در طول مطالعه کتاب بارها احساس می‌کند وارد خوابی آشفته یا کابوسی طولانی شده است؛ کابوسی که هرچند غیرواعدی به نظر می‌رسد، ریشه در واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی دارد.

«گالری اجساد» همچنین اثری است که مخاطب را به تفکر وامی‌دارد. این کتاب پاسخ‌های آماده در اختیار خواننده نمی‌گذارد و تلاش نمی‌کند تصویری ساده از خیر و شر ارائه دهد. برعکس، بلاسم جهانی پیچیده و چندلایه ترسیم می‌کند که در آن قربانیان و عاملان خشونت گاه در موقعیت‌هایی مبهم قرار می‌گیرند. همین پیچیدگی باعث می‌شود داستان‌ها حتی پس از پایان کتاب نیز در ذهن خواننده باقی بمانند و او



عکس: برنات آرمانگوئه / آسوشیتدپریس

شادی جمعی

جمعیت زیادی روز دوشنبه در مادربرد گرد هم آمدند تا قهرمانی تیم ملی اسپانیا در جام جهانی را جشن بگیرند. اسپانیا در دیدار نهایی با نتیجه یک بر صفر آرژانتین را شکست داد و برای دومین بار قهرمان جام جهانی فوتبال شد. این نخستین قهرمانی اسپانیا پس از فتح جام جهانی ۲۰۱۰ است.

پایان

را به بازاندیشی درباره مفاهیم جنگ، مرگ و انسانیت دعوت کنند.

با این حال، باید توجه داشت که «گالری اجساد» کتابی آسان و سرگرم‌کننده نیست. فضای تیره، صحنه‌های خشن و موضوع‌های سنگین آن ممکن است برای برخی مخاطبان آزاردهنده باشد. اما همین ویژگی‌ها بخشی از قدرت اثر را شکل می‌دهند؛ زیرا نویسنده می‌کوشد، بدون پنهان کردن زشتی‌ها و ویرانی‌های جنگ، تصویری صادقانه از پیامدهای آن ارائه دهد. «گالری اجساد» کتابی تأثیرگذار، جسورانه و متفاوت است که تصویری از عراق و خاورمیانه معاصر ارائه می‌دهد و درباره وضعیت انسان در جهانی سرشار از خشونت و بی‌ثباتی سخن می‌گوید. این کتاب برای علاقه‌مندان به داستان کوتاه، ادبیات جنگ، آثار سوررئال و روایت‌های متفاوت از تجربه انسانی، اثری خواندنی به شمار می‌آید؛ کتابی که خوانندش آسان نیست، اما می‌تواند نگاه مخاطب را نسبت به بسیاری از مفاهیم انسانی عمیق‌تر و گسترده‌تر کند.

پایان

نام کتاب: گالری اجساد

نام نویسنده: حسن بلاسم

نام مترجم: ایمان پاک‌نهاد

نام ناشر: چشمه

سال انتشار: ۱۴۰۴

نوبت چاپ: ششم

پایان

از همین روا این قالی‌ها سندی نظامی نیستند، بلکه سندی انسان‌شناختی‌اند. کارشناس فرش امروز از روی نوع تانک، هلیکوپتر یا سلاح بافته‌شده، تاریخ تقریبی بافت را تشخیص می‌دهد؛ گویی تاریخ جنگ، به جای آنکه در آرشیه‌های نظامی ثبت شود، درگره‌های قالی حفظ شده است.

قالیبافی که نسل‌ها گل شادعباسی، پته، سرو، شکارگاه، محراب و درخت زندگی می‌یافت، اکنون تانک، کلاشینکف و نازجک را از حفظ می‌یابد؛ نه به این دلیل که به اسلحه هشی می‌ورزد، بلکه چون اسلحه هر روز پیش چشم اوست. آنجا که تسلیحات جای گلزار را در حافظه بصری هنرمند می‌گیرد، باید فهمید که ویرانی از مرز خانه‌ها گذشته و به درون فرهنگ رسیده است. امروز که بار دیگر سایه جنگ بر منطقه ماکسترد شده‌است، آیا هنرمندان قالیباف ایرانی نیز روزی به‌جای باغ، فغن، باغ شاهزاده، سروهای کاشان، گلستان‌های اصفهان و باغ‌های خیالی قالی ایرانی، اعتراض تاریخی خود به جنگ را در دست‌بافته‌هایشان بیان خواهند کرد؟

اگر چنین روزی فرا برسد، آنچه از دست رفته، تنها امنیت نیست؛ پردیس ایرانی است. زیرا جنگ، پیش از آنکه انسان را از خانه‌اش براند، او را از باغ خیال خویش بیرون می‌کند.



پرو؛ آن‌سوی «ماچوپیکو»



امریم لاوی ا

اراهنمای گردشگری ا

ا برها دور قله‌های سنگی آند می‌پیچند. کرکسی بی‌صدا بر فراز دره‌ای عمیق بال می‌گشاید و چند صد کیلومتر آن‌سوتر، بیابانی خاموش تا لب اقیانوس آرام امتداد می‌یابد. این‌ها سه قاب از یک کشورند؛ به پرو خوش آمدید؛ سرزمینی که گویی سه جهان متفاوت را در یک مرز کنار هم نشانده است. پرو، سومین کشور پهناور آمریکای جنوبی، بیش از ۱.۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت و نزدیک به ۳۵ میلیون نفر جمعیت دارد. پایتخت آن، لیما (Lima)، در ساحل اقیانوس آرام قرار گرفته است؛ همان‌جایی که نخستین شگفتی این سرزمین آغاز می‌شود. انتظار داری کنار اقیانوس، باران و سرسبزی ببینی، اما جریان سرد هومبولت (Humboldt Current)، رطوبت را از آسمان می‌گیرد و نوار ساحلی را به یکی از خشک‌ترین بیابان‌های جهان تبدیل می‌کند.

با حرکت به سوی شرق، انگار وارد کشوری دیگر می‌شوی. رشته‌کوه آند، دومین رشته‌کوه بلند جهان، همچون ستون فقرات آمریکای جنوبی از میان پرو می‌گذرد؛ سرزمینی از قله‌های برفی، دره‌های ژرف و دریاچه‌های مرتفع. در میان آن‌ها، دریاچه تیتی‌کا (Lake Titicaca)، مرتفع‌ترین دریاچه قابل کشتیرانی جهان، قرار دارد؛ جایی که در اسطوره‌های اینکا، زادگاه خورشید و نخستین فرمانروایان این امپراتوری به شمار می‌رود. آن‌سوی آند، جهان سومی آغاز می‌شود؛ آمازون. جنگل‌های بارانی انبوهی که بخش پرویی آن‌ها به‌تنهایی بیش از نیمی از خاک کشور را در بر می‌گیرد. همین هم‌نشینی بیابان، کوهستان و جنگل، باعث شده است پرو میزبان ۲۸ نوع از ۳۲ اقلیم شناخته‌شده جهان باشد و در شمار غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر تنوع زیستی قرار گیرد.

پرو، اما فقط سرزمین چشم‌اندازهای متفاوت نیست؛ سرزمین تمدن‌های کهن نیز هست. هزاران سال پیش از اینکاها، فرهنگ‌هایی مانند کارال (Caral)، نازکا (Nazca)، موچه (Moche) و چیمو (Chimu) در این سرزمین شهر ساختند و هنر و دانش خود را به یادگار گذاشتند. بعدها اینکاها کوسکو (Cusco) را به پایتخت امپراتوری خود تبدیل کردند. زبان کچوا (Quechua)، زبان آنان، هنوز در کنار اسپانیایی، زبان رسمی کشور است و میلیون‌ها نفر به آن سخن می‌گویند.

اگر امروز نام پرو بیش از هر چیز با ماچوپیکو گره خورده است، به این دلیل است که این شهر سنگی به‌جامانده از امپراتوری اینکاها، که در قرن پانزدهم بر فراز کوه‌های آند ساخته شد، به نماد نبوغ معماری و میراث این تمدن تبدیل شده است؛ تصویری که بسیاری از مردم جهان، از جمله ما ایرانی‌ها، با شنیدن نام پرو به یاد می‌آورند. اما ماچوپیکو، با همه شکوه و شهرتش، تنها یکی از چهره‌های این سرزمین است.

شاید کمتر کسی بداند یکی از ارزشمندترین هدیه‌های پرو به جهان، سبب‌زمینی است؛ گیاهی که هزاران سال پیش در ارتفاعات آند اهلی شد و امروز هزاران رقم از آن هنوز در این کشور کشت می‌شود. آشپزی پرو نیز بازتاب همین تنوع طبیعی و فرهنگی است. «سویچه» (Ceviche)، غذای ملی این کشور از ماهی تازه، آب لیموترش و فلفل تهیه می‌شود و چنان جایگاهی در فرهنگ پرو دارد که روز ملی ویژه خود را در تقویم این کشور به خود اختصاص داده است. حتی نام پول ملی پرو، «سول» (Sol)، به معنای «خورشید» است؛ واژه‌ای که هنوز پژواک اسطوره‌ها و هویت این سرزمین را در خود حفظ کرده است.

پرو را نمی‌توان در یک تصویر یا حتی یک سفر خلاصه کرد. اینجا جایی است که بیابان به اقیانوس می‌رسد، جنگل از دل کوهستان سر برمی‌آورد و گذشته هنوز در زبان، غذا و افسانه‌های مردم نفس می‌کشد. در شماره‌های بعدی «گوشه دنیا»، از قاب آشنای ماچوپیکو فاصله می‌گیریم و به سراغ گوشه‌هایی از پرو می‌رویم که شاید کمتر در عکس‌های گردشگری دیده شوند، اما روایت‌هایی دارند که چیزی از شگفتی این سرزمین کم نمی‌کند.